

دموکراسی و نظام ولایت فقیه

هر مقوله و پدیده ای را باید در رابطه با دستگاه نظام فکری؛ مناسبات اجتماعی؛ ساختار نظام فکری و زبان آن پدیده؛ به همراه سطح پیشرفت نیروهای مولده یعنی بصورت نظام مند و سیستماتیک قابل درک است بعنوان مثال تساوی حقوق انسان ها؛ رفع تبعیض بین زن و مرد و یا مقوله آزادی؛ احزاب و انتخابات و غیره همه از عصر مدرنیته و دوران انقلاب های بورژوازی - دموکراتیک ببعده شکل گرفته و انتقال هر کدام از این مفاهیم و مقوله ها در ساختار و دستگاه فکری برده داری؛ فئودالی و عشیره ای و قبیله ای بی مفهوم و قلب معنی واقعی آن خواهد بود؛ و کلمه از جان و مفهوم خود تهی خواهد شد. همانطور که طرح مفاهیم قصاص؛ رعایت حدود شرعی و داشتن چهار همسر رسمی و تعدد صیغه ای و غیره که متعلق به دوران قبیله ای عشیره ای است در مناسبات عصر سرمایه داری و سوسیالیسم بی معنا و مفهوم است. در این راستا انتخابات با دیگر عناصر نظام دموکراتیک از جمله آزادیهای دموکراتیک در یک نظام دموکراسی؛ برابری انسان ها اعم از زن و مرد و قومیت ها و برابری مذهبی؛ آزادی احزاب؛ تشکل های مستقل سیاسی؛ صنفی؛ سندیکایی؛ آزادی مطبوعات؛ اجتماعات؛ قلم و بیان و... غیره مرتبط می باشد؛ و نمی توان آزادی انتخابات را روی پایه نظام ولایت فقیه که متعلق به دنیای کهن است نشان داد؛ در این صورت مفهوم انتخابات بر این مبنی مضحکه ای بیش نخواهد بود. (1)

یک مغالطه ای که در کشور ما بوجود آمده تداخل دو نظام فکری است که یک نظام بعنوان روبنای دوران برده داری و قبیله ای و عشیره ای و ارتجاعی؛ اما در دوره مناسبات سرمایه داری جامعه ایران و دستگاه فکری معاصر حاکمیت یافته است و بنیانگذاران آن مجبور به رنگ روغنکاری و ماله کشی روی دستگاه نظام کهن با مفاهیم نو شده اند؛ وقتی نظام حکومتی بر مبنی شرع است و مخالفت با هر حکم شرعی بمعنای ارتداد و حکم آن نیز اعدام است و کلیه ارکان می بایست قبل و بعد از انتخابات به تأیید ولی فقیه برسند و هر مقامی در سلسله مراتب حکومت و نظام آن بدون تأیید ولی فقیه طاغوت است. اسم جمهور (رأی مردم) در نظام ولایت فقیه اسم بی مسمایی است "زیرا بشر فقط هرج و مرج ایجاد می کند و به تباہی می کشد" (صحیفه امام ج 4 ص 402) و رأی تنها از آن خدا است "در اسلام شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است". (ولایت فقیه ص 52) - که بوسیله ولی فقیه (پس از رسولان و ائمه) در جامعه منتشر و لازم الاجرا است و هر گونه تشکیک در پذیرش و اجرا ارتداد محسوب می شود.

در این نوشته از برخی مطالب یک کتاب که مربوط به تحولات جامعه ایران است؛ و به بررسی تحولات جامعه ایران از عصر مشروطه به بعد پرداخته و در یک بخش آن به تعریف قلب مفاهیم مدرن بر پایه نظام ولایت فقیه می پردازد و بخش هایی که مربوط به تضاد مقوله های دموکراسی و نظام ولایت فقیه است بمناسبت ایام انتخابات ارسال می گردد.

1- آزادی

آیت الله خمینی می گوید: "اگر بجای اینکه او [محمد رضا پهلوی] رفت یک رژیم دیگر تحقق پیدا کند مثل رژیمی که در اروپا است مثل رژیم فرانسه.. که کاری به اسلام ندارد یک رژیم غیر اسلامی خیر؛ رژیم آزاد منشانه؛ رژیمی که استقلال هم داده؛ آزادی هم می دهد اما یک آزادی می دهد که وفق اسلام نیست ما همچو چیزی را نمی خواستیم و نمی خواهیم" (صحیفه امام ج 8 ص 42)

آیت الله خمینی : " این آزادی را ممکن است برای شما تأمین کند ؛ استقلال را هم برای شما ممکن است تأمین کند ؛ اما استقلال که توی آن امام زمان نیست ؛ آزادی که توی آن قرآن نیست ... ملت این را می خواهد ؟ خونس را داد برای این ؟ برای آزادی داد ؟ یا برای خدا داد ؟ او اسلام را می خواست او می خواست که اسلام در خارج تحقق پیدا کند ؛ روحانی اسلام را می خواهد " (58/3/2 صحیفه امام ج 7 ص 461) - " **اگر تمام آزادی ها را به ما بدهند ؛ تمام استقلال ها را به ما بدهند و بخواهند قرآن [روحانیت] را از ما بگیرند نمی خواهیم . ما بیزار هستیم از آزادی منهای قرآن اسلام منهای روحانیت خیانت است** (صحیفه امام ج 7 ص 486) - " آقایانی که اسم آزادی را می آورند اینها آزادی را درست بیان نمی کنند یا نمی دانند ؛ در هر مملکتی آزادی در حدود قانون است و قوانین ایران قوانین اسلام است " (صحیفه امام ج 7 ص 536) - " آزادی در چهارچوب فقه و حدود شرعیه و قصاص معنی می دهد و هر کس حتی یکی از الزامات و یا ولایت را نپذیرد مرتد و مستحق مرگ است و آزادی و استقلال در این محدوده معنی دارد یعنی مفاهیم آزادی و استقلال در چهارچوب مفاهیم مدرن آن قابل قبول نیست و در دین نه به تعبیر **عصری و تاریخی** آن بلکه با تعبیر فقه و با تفسیر آیات و مراجع عظام و حجج اسلام در 1400 سال قبل چنین مفاهیمی وجود نداشته و این از شاهکارهایی است که مفاهیم مدرن را قلب و استفاده صد در صد معکوس می نماید ؛ نمی توان قشر دیگر اجتماعی به استثنای روحانیت جلیله را دارای این توان پیدا کرد

. آقای خمینی : " از دست همین اشخاص که فریاد آزادی می کشند برای ملت ایران من بدبختی دارم ما آزادی در پناه

اسلام می خواهیم اساس مطلب اسلام است " (صحیفه امام ج 7 ص 460)

آیت الله خمینی : اینها که می خواهند جوان های ما آزاد باشند ؛ چه آزادی می خواهند ؟ جوان های ما آزاد بشوند؟ قمارخانه ها باز باشد بطور آزاد ؛ مشروب خانه ها باز باشد بطور آزاد ؛ عشرت خانه ها باز باشد بطور آزاد ؟ هروئین کش ها آزاد باشند ؟ تریاک کش ها آزاد باشند؟ دریاها آزاد باشند؟ .. هر مفسده ای را می خواهند عمل کنند ؟ (صحیفه امام ج 9 ص 342) - " نشسته اید آنجا با قلم می خواهید حکومت کنید .. قلدر هستید او با سرنیزه حکومت می کرد شما با قلم می خواهید حکومت کنید و سرنیزه اوشکست قلم های شما هم می شکند (صحیفه امام ج 10 ص 310) - " قلم های فاسد نباید آزاد باشد الان هم فاسدها شان خیلی آزادند من جمله همین قلم ها که می گویند چرا آزاد نمی گذارید " (صحیفه امام ج 10 ص 350) - از نظر ولی فقیه ؛ وقتی ضرورت حفظ حکومت اسلام در میان است حتی آزادی سخنرانی سران حکومتی نیز لغو می شود :

آقای خمینی دستور داد : - " چون در سخنرانی های رئیس جمهور ؛ نخست وزیر ؛ رئیس دیوان عالی کشور ؛ رئیس مجلس شورای اسلامی گروههای منحرف و مخالف جمهوری اسلامی توطئه کرده و موجب فساد می شوند اینان تا پایان جنگ سخنرانی نکنند (مورخ 59/12/22 - مجموعه آثار ج 14 ص 202) - ولی فقیه وقتی صلاح دانست به سران رژیم نیز دستور داد که خفقان بگیرند و سخنرانی نکنند بجهت آنکه مورد سوء استفاده مخالفین قرار می گیرد؛ آنگاه مخالفین ؛ غیر حکومتی ها و بقیه مردم بخصوص غیر خودی ها ؛ وقتی مصالح حکومت اسلام است چه حقی دارند ؛ و آیا اصولاً در مورد حق آنان و آزادی آنان می توان صحبت کرد ؟

2- انتخابات

خمینی "منطقی آن است که کار دست خود ملت باشد ملت یک کسی را می آید انتخاب می کند آن هم انتخاب آزاد می کند... ملت اختیار دارد یک کسی را برای خودش رئیس جمهور قرار دهد" (صحیفه امام ج 9 ص 121) اما موضوع به همین سادگی نیست وی می گوید: "اگر چنانچه فقیه در کار نباشد طاغوت است؛ یا خدا یا طاغوت؛ اگر با امر خدا نباشد.. اگر رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد غیر مشروع است وقتی غیر مشروع شد طاغوت است اطاعت او اطاعت طاغوت است... ولایت فقیه تبع اسلام است... کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می کنند.. وکالت ندارند اگر حرفی بزنید که بر خلاف مصالح اسلام باشد وکیل نیستید حرفتان مقبول نیست ما به دیوار می زنیم آن حرفی را که بر خلاف مصالح اسلام باشد کسانی که می گویند ولایت فقیه تشریفاتی باشد و دخالت نکند اگر متوجه به این معنی باشند مرتد می شوند" (صحیفه امام جلد 10 صص 216-222) وی در یک جا آزادی انتخابات ریاست جمهوری و سپردن کار مردم بخودشان را طرح می کند و از طرف کاندیدهای ریاست جمهوری می بایست قبلا به تأیید خودشان رسیده باشد - زیرا شورای نگهبان همه انتصابی و بصورت مستقیم و غیر مستقیم منتخب خود ولی فقیه هستند -

اگر رئیس جمهور نصب ولی فقیه و مورد تأیید وی نباشد مشروع نیست و طاغوت است در اینجا هنر ولی فقیه در نظام بنیاد گرایانه بخوبی روشن است که ولی فقیه یعنی بند باز و شعبده بازی که مفاهیم مدرن را به هوا می اندازد و پس از چرخیدن در هوا تحت نظارت و جادوی ولی فقیه؛ وقتی بر نظام کهن قرون وسطایی بنیاد گرایان قرار می گیرد همه مفهوم مدرن خود را از دست داده و یک مفهوم پوچ و توخالی تبدیل می شود و از این لحاظ انتخابات در نظام فقهات اسلامی یک خیمه شب بازی بیش نیست. آیت الله خمینی: "**ریاست جمهوری چیزی نیست که شما به آن اهمیت بدهید**" (صحیفه امام جلد 12 ص 127) - "بر حسب قانون اساسی مصوب از ناحیه ملت تصدیق صلاحیت رئیس جمهور و واجد شرایط او بعهده اینجانب است" (صحیفه امام جلد 12 ص 11)

3- ارزش انسان

مسئله انسان و کرامت انسانی اصلی ترین و پایه ترین رویکرد دنیای مدرن و دمکراسی است در حالیکه در نظام ولایت فقیه؛ انسان هیچگونه ارزشی ندارد و ارزش تنها مربوط به عالم قدسی و نظام مقدس است. و حتی زندگی انسان ها بی ارزش است: خمینی: "اعدام هایی که در اسلام هست اعدام های رحمت است (مجموعه آثار ج 8 ص 332) - آیت الله خمینی: اگر ما از مسئله قدس بگذریم؛ اگر از صدام بگذریم.. نمی توانیم از مسئله حجاز بگذریم مسئله حجاز یک بابت دیگری است... **قضیه کشته شدن (زائران ایرانی) نیست قضیه هتک احترام است... احترام یک محل مقدسی از بین رفت و مسلمین ساکت نخواهند نشست.. من واقعا در مسائل خیلی تحمل داشتم؛ در مسائل جنگ؛ در همه اینها تحمل داشتم؛ اما این بی تحمل کرد من را؛ مسئله غیر از این مسائل است.** (صحیفه امام ج 20 صص 369-371) - "از این مسائل [کشتارها] می پیش می آوردند لکن هر ضرری که به ما وارد میشد یک نفعی هم به همراهش بود بزرگتر؛ یعنی؛ ما عمده نظرمان این بود که برای اسلام نتیجه بگیریم ما می خواستیم برای اسلام بهره برداری کنیم" (صحیفه امام ج 19 ص 192) در کشته شدن های جوانان غیور ایرانی در جبهه های جنگ و در کلیه مراحل دیگر چون برای اسلام بهره برداری می شد؛ اهمیتی نداشتند.

وی می گوید: " [اعلیحضرت] با تاریخ اسلام مخالف است یعنی با اسلام... این از این کشتارها بدتر است این با حیثیت رسول الله بازی کردن است " (صحیفه امام ج 3 ص 336)

وقتی از نظر ولی فقیه زندگی و جان صدها هزار جوان کشته شده در میدان های جنگ و کشتار زائران که از مقلدان ایشان نیز هستند و حتی سران مملکتی؛ ارزش اینچنینی دارد می توان دریافت که ارزش جان منتقدین و مخالفین در درون زندان های حکومت شرع چه ارزشی دارد؟

" خبرنگار تایم سؤال کرد: " منصفانه بگویید و بعنوان یک مرد سیاسی بگویید آیا انقلاب شکست نخورده است؟ آیا اقتصاد زنده شده است؟؛ افراد فقیر در جنوب تهران همچنان فقیرند؛ ارتش احتمالا نمی تواند چنانچه حمله ای از خارج شود دفاع نماید فعالیت عادی و سیاسی وجود ندارد و احزاب در بی نظمی هستند " جواب آیت الله خمینی: " ممکن

است همه اینها راست باشد ولی انقلاب شکست نخورده است انقلاب پاهایش محکمتر شده

است (صحیفه امام ج 11 ص 160) یعنی گسترش فقر؛ بیکاری؛ شکست اقتصادی و حفظ امنیت کشور هیچگونه ارزشی ندارند و ربطی به انقلاب ندارند. برای انقلاب اسلام و آیت الله و روحانیت معیارها و شاخص ارزش گذاری هستند

4- حقوق بشر

اظهارات آقای خمینی در مورد حقوق بشر " حکومتی می تواند ادعا کند که حقوق بشر را حفظ می کند که دولتش مبتنی بر یک عقاید الهی دینی باشد و خودش را مسئول پیش یک قدرت بزرگ بداند.. تا آن نقطه اصلی که اتکاء به خدا نباشد و خوف از او نباشد و خوف از مسئولیت روز جزا نباشد این بشر هرج و مرج ایجاد می کند و به تباهی می کشد " (صحیفه امام ج 4 ص 402) - " این سازمان های بین المللی و عفو بین الملل که می خواهند و تقاضا کرده اند بیایند اعدام ها ببینند می خواهند بیایند به نفع ابر قدرت ها نظر بدهند... بدانید که وابستگان همه قدرت های شیطانی مثل سازمان عفو بین المللی و دیگر سازمان ها؛ همه دست به دست هم داده اند که این جمهوری اسلامی را در اینجا خفه کنند و نگذارند/نظام ولایت فقیه مردم را خفه کنند/ شکوفا بشود و خوف این دارند که این انقلاب به جاهای دیگر که منافع آنها هست صادر بشود " (صحیفه امام ج 15 صص 315-314) - " ما همه بدبختی هایی که داشتیم و داریم و- و بعد هم داریم - از این سران کشورهایایی است که این اعلامیه حقوق بشر را امضاء کرده اند. این اغفال است افیون است این برای توده ها برای مردم (صحیفه امام ج 3 ص 323) زیرا به زعم خمینی مردم بطور عام در زمره بشر قرار نمی گیرند آیت الله خمینی: " اعدام هایی که در اسلام هست اعدام های رحمت است... اگر چهار تا دزد را دستش را ببرند در مجمع عمومی؛ دزدی تمام می شود؛ اگر چهار تا آدمی که به فحشاء مبتلا است آنرا شلاق بزنند در جامعه فحشاء از بین می رود این حقوق دانهایی نمی فهمند... اینها می خواهند حقوق بشر! توجه می دانی بشر چه هست تا حق بشر چه باشد! تو انسان را می شناسی تا حق انسان را بشناسی! (صحیفه امام ج 8 ص 332) - " آیا اینها مخالف با دین مقدس اسلام نیستند؟ بلاخره روزی حساب اینها را خواهیم رسید اگر زنده ماندم می دانم با اینها چه معامله ای بکنم (صحیفه امام ج 1 ص 231)

5- مطبوعات و آزادی های دموکراتیک

آزادی های دموکراتیک؛ شکل ها؛ مطبوعات؛ فکر و اندیشه؛ قلم و بیان و اجتماعات پایه ای ترین دشمنان بنیاد گرایی هستند و کسب این آزادی ها؛ بمعنی مرگ بنیاد گرایی است و لذا حکومت تا قدرت دارد به آن تن نخواهد داد.

سخنرانی آیت الله خمینی در 41/9/11: "چرا این مطبوعات را آزاد می گذارند؟ چرا نسبت ناجوانمردانه و ناروا می دهند؟ ... چرا این مطبوعات اینقدر آزادند؟" (مجموعه آثار ج 1 ص 117) -

شیخ فضل الله نوری: "ای برادر عزیز نمی دانی که این آزادی قلم و زبان که اینان می گویند منافی با قانون الهی است مگر نمی دانی که معنای آن اینست که... القای شبهات در قلوب صافیه نمایند ای عزیز اگر اعطای این گونه حریت مطلق نشده بود آن خبیث در محضر عمومی این همه انکار ضروری دین نمی کرد؛ روزنامه ها و شب نامه هایی پیدا شده اکثر مشتمل بر سب اسلام و طعن احکام اسلام و این که باید در این شریعت تصرفات کرد و آن را تغییر داد" (مجمد ترکمان؛ مجموعه وسایل ص 333 سال 1363)

آیت الله خمینی به غیر خودی ها: "قلم های شما از تفنگهای آن دموکرات ها به اسلام بیشتر ضرر دارد قلم های شما از سرنیزه های رضا خان بدتر است برای اسلام شما مضرت هستید از رضا خان و محمد رضا شاه شما در پوشش خلق مسلمان بر خلاف اسلام دارید عمل می کنید" (صحیفه امام جلد 10 ص 318-306) - **"قیام با قلم و زبان اسفناکتر از قیام مسلحانه است"** (وصایای امام ص 433 در صحیفه امام)

6- مسئله زن

آیت الله خمینی: سخنرانی 43/1/26: مگر با چهارتا زن فرستادن در مجلس ترقی حاصل می شود؟ ... ما می گوئیم اینها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست .. ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید؟ ما با ترقی زنان مخالف نیستیم با این فحشاء مخالفیم؛ با این کارهای غلط مخالفیم (صحیفه امام جلد 1 ص 305) - زن ها را وارد کردید در ادارات؛ ببینید در هر اداره ای وارد شدند آن اداره فلج شد فعلا محدود است علما می گویند توسعه ندهید به استان ها نفرستید؛ زن اگر وارد دستگاهی شد اوضاع را بهم می زند؛ **می خواهید استقلالتان را زن ها تأمین کنند**" (صحیفه امام جلد 1 ص 118) - "نسوان حق مداخله در انتخابات را ندارند" - اسفند 41 - "کل آیات عظام کلیه مستدلات مطروحه توسط دولت برای حق رأی زنان را رد کردند" (صحیفه امام جلد 1 ص 148) - "نامه علمای اسلام: تصویب نامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است" (صحیفه امام جلد 1 ص 58) - "ورود زنها به مجلسین و انجمن های ایالتی و ولایتی و شهرداری مخالف است با قوانین محکم اسلام" (صحیفه امام جلد 1 ص 80) - آیت الله خمینی: "وظیفه دینی همه ماست که بگوئیم و بخواهیم که قانون شرکت نسوان در انتخابات انجام نشود؛ از ده میلیون نفر جمعیت زن ایرانی فقط یکصد نفر زن هر جایی مایل است که این کار بشود" (صحیفه امام جلد 1 ص 82-83) - "دستگاه جابر در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند؛ یعنی احکام ضروری به اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد" .. (صحیفه امام جلد 1 ص 53). هر کس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل اینها که جزء احکام ضروری اسلام است معتقد باشد اسلام تکلیفش را تعیین کرده است - "دخالت زنان در انتخابات یا اعطای حق زنها یا وارد نمودن نیمی از جمعیت ایران را در جامعه و نظائر این تعبیرات فریبنده که جز بدبختی و فساد و فحشاء چیز دیگری در بر ندارد" (صحیفه نور جلد 1 ص 57) - شما آقایان در تقویم دو سال پیش از این یا سه سال پیش از این به "بهایبی ها" مراجعه کنید در آنجا می نویسند تساوی حقوق زن و مرد ... آقایان هم از او تبعیت می کنند آقای شاه هم نفهمیده

می رود آنجا می گوید تساوی حقوق زن و مرد ... تو مگر "بهای" هستی که من بگویم کافر است بیرونت کنند (صحیفه نور جلد 1 ص 94) - آن مردک هم که داد زد تساوی حقوق [زن و مرد] من جمیع جهات.. از آنطرف می گویند کی ما گفتیم طلاق به دست زن باشد... و می گویند ما راجع به ارث گفتیم؛ نخیر ارث هم همانطور که خدا گفته است [باید باشد] (صحیفه امام جلد 1 ص 71) -

در مراحل انقلاب و با مبارزات زنان در کلیه عرصه ها بسیاری از موانع حقوق زنان با قدرت مردم و بخصوص خود زنان برداشته شد. و بخشی از حقوق خود را که حاکمیت نمی توانست از دست آنان خارج کند حفظ کردند. و حاکمیت نیز مجبور به تن دادن به آنها شد.

7- تحصیلکردگان و دانشگاه

خمینی: " می گویند مغزها فرار می کنند؛ این مغزهای پوسیده بگذار فرار کنند... این مغزهایی که برای اجانب کار کردند و این مغزهایی که جزو سازمان امنیت بودند بگذار فرار کنند شما برای آنها خیلی افسرده نباشید این مغزها باید فرار کنند مگر هر مغزی - که علم - بقول شما در آن بود این مغز شریف است؟ " (صحیفه امام ج 9 ص 204) موضوع فرار مغزها در ایران که تحصیلکردگان و اساتید دانشگاه ها را شامل می گردید و جذب آن توسط کشورهای متروپل و مادر همواره یکی از عوارض و نابسامانیها در کشورهای توسعه نیافته و از جمله ایران بوده است. کشورهای همواره راهکارهایی را برای ممانعت از آن طرح می کنند اما برخورد آیت الله مرجع تقلید از چند جنبه بسیار حائز اهمیت است اول اینکه ایشان آنرا فاقد اهمیت می داند دوم اینکه اتهام وابستگی همه تحصیلکردگان به سازمان امنیت را می زند و سوم می گوید علم بقول شما ها؛ یعنی دانش تحصیلکردگان را علم نمی داند و منظور از علم در نزد خمینی همان علوم قدیمه و فقه و حدود شرعی می باشد. "از مدرسه ها که کودکان ما؛ جوانان ما؛ در آنجا برای تحصیل رفته اند از آنجا انحرافات را شروع می کنند... لهدا می بینید که از آن دبستان تا دانشگاه مرکز نوطنه است" (صحیفه امام ج 14 ص 2) - "از کودکی تا دانشگاه مرکز جولان دستهای خبیث استعمار است... اگر شما در مراکز می هستید یک ایده صحیح داشته باشید... و آن تهذیب نفس و پرستیدن الله و دور کردن همه شرک ها و همه انحراف ها و همه الحاد ها از خودتان و مراکزتان؛ اگر اینطور باشد شما پیروز خواهید بود" (صحیفه امام ج 14 ص 4) - "اگر بخواهند [در دوران انقلاب فرهنگی] تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهند این کار بیش از بیست سال طول خواهد کشید" (صحیفه امام ج 15 ص 409) - "این طبقه مردم [عامی] زود صالح می شوند اینها؛ ما هر چه [مشکل] داریم از این طبقه ای است که ادعا می کنند که ما روشنفکریم و ما حقوق دانیم و ما - نمی دانم - طرفدار چی هستیم؛ .. ما از اینها داریم صدمه می خوریم" (صحیفه امام ج 9 ص 12) - "امروز زمانی است که ملت ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنرا از خود باختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند" (صحیفه امام ج 13 ص 212) - "الفاظ سر جای خودش است اما محتوایش را آدم می بیند ندارد. مهندس و نمی دانم دکتر و از این قبیل الفاظ زیاد است اما محتوی چیست؟ محتوی ندارد..... شما آسفالت می خواهید بکنید کارشناس می آورید برای آسفالت" (57/8/11 صحیفه امام ج 4 صص 275-272) - در 58/8/16 یعنی 5 روز بعد در جواب خبر نگار که می پرسد "اگر خارجی ها و امریکایی ها از ایران بروند کمبود متخصص پیدا

می کنید می گوید " ما بقدر کافی از نیروی انسانی ماهر برخورداریم " (صحیفه امام ج 4 ص 365) در واقع خمینی احساس حقارت و ضعف خود در مقابل دانش جدید و کاربرد آن را ؛ با تحقیر کل تحصیلکردگان جبران می کرد و آنجایی که برای اداره حکومت ولایت فقیه نیاز به متخصص دارد اقرار به توان مندی های تحصیلکردگان می نماید .

خمینی می گوید: " این دانشگاههای ما را به یک صورتی درآورده که نیروی انسانی ما را هدر داده کاش هدر بود ؛ نیروی انسانی ما را منقلب کرد به یک نیروی غیر انسانی " (57/11/1 صحیفه امام ج 5 ص 506) - " اگر این دانشگاه هایی بود که به نفع ملت بود ؛ برنامه برنامه استعماری اگر نبود آدم درست شده بود ؛ جوان های ما جوان هایی بودند که در مقابل دولت می ایستادند " اگر ملاک آدم بودن جلوی دیکتاتوری ایستادن باشد- که از نظر ولی فقیه نیست- این افتخار دانشگاه است که همواره دژ تسخیر ناپذیر در برابر دیکتاتوری ؛ جنایت و تبعیض بوده است در هر دو نظام شاهنشاهی و ولایت فقهی ، جز با تعطیل و بستن دانشگاه مبارزات آن تعطیل نمی شد و این حوزه ها بودند که در صورت سرکوب خواسته صنفی روحانیت و نه خواسته های دموکراتیک و مردمی که هیچگاه نداشتند دهه ها به لاک خود فرو می رفتند و مشغول یاد گیری غسل و جنابت و حیض و نماز میت و کفن و دفن و روضه خوانی سر بردن امام حسین برای کسب درآمد بودند . خمینی باز می گوید : " نیروی انسانی ما که از همه ذخایر بالاتر است از بین بردند ... نیروها را از دست ما گرفتند یا به مراکز فحشاء کشیدند تمام مراکز آموزشی را اینها مرکز فحشاء قرار دادند " (صحیفه امام ج 6 ص 345) واقعا کینه توزی و منافع طبقاتی باعث می شود انسان همه چیز را معکوس جلوه دهد ؛ گفته های فوق را با اظهارات انقلابیون و مبارزین مقایسه کنید ؛ وقتی به جهان پهلوان غلامرضا تختی گفتند تو واجب الحج هستی چرا به مکه نمی روی ؛ اظهار داشت هر وقت خواستم به مکه بروم به دانشگاه تهران رفته و میله های دور دانشگاه را که قلب هزاران جوان پاک در آن می زند زیارت می کنم .

از زمان کودتای آمریکایی شاه که مراجع عظام از جمله مرجع تقلید آیت الله بروجردی به شاه تبریک گفت ؛ دانشجویان حماسه 16 آذر را آفریدند و مبارزات را در زیر شدیدترین دیکتاتوری ها ادامه دادند و موتور اولیه قیام 57 نیز دانشجویان دانشگاهها بودند در تمام مقطعی که حوزه ها در بازسازی روبنای ایدئولوژیک طبقات ارتجاعی مشغول بودند و از نظر پاکدامنی؟! حوزه ها ؛ داستان های آن در سطح جامعه نقل مجالس و شهره عام و خاص بودند استقلال شخصیتی و پایداری دانشجویان مبارز بود که همواره رژیم شاه و آیت الله ها را دچار خواب های آشفته می ساخت .

امام راه مقابله با دانشگاه را در ابتدا حضور معلمان در عرصه دانشگاه تشخیص داد " آقا شما نشسته اید که چهار تا کمونیست بیایند در دانشگاه و قبضه کنند دانشگاه را البته باید اشخاص که گوینده هستند [یعنی روضه خوان منبری] بیایند در دانشگاه و من پیشنهاد می کنم که آ سید علی آقا بیایند ؛ خامنه ای " [که مصیبت خوانی را خوب بلد است]

(صحیفه امام ج 8 ص 138) آقا سید علی مقلد امام که سعی می کنیم ایشان را به همین اسم بنامیم در سمت رئیس جمهور ؛ بزرگترین مشکلش را از امام استفتاء می کرد که : " واقعیت اینست که تماشای پیکر عریان ورزشکاران برای بسیاری از زنان و تماشای چهره و حرکات بسیاری از زنان در فیلم ها برای اغلب جوانان شهوت انگیز است ... آیا تولید آنرا منع کنیم ... یا به مردم بگوییم هر کس که با تماشای این فیلم ها دچار شهوت می شود ... نگاه نکند " (صحیفه امام ج 20 ص 448) و با این استفتاء ها آقا ارادت خود را به امامش نشان می داد ؛ امروز خود را ولی فقیه مسلمین جهان

خود را می نامد لیبیک گویان به دانشگاه رفت اما پس از چندی که متوجه شدند که روضه خوانی در دانشگاه خریدار ندارد برنامه لشکر کشی و فتح دانشگاه بعنوان سنگر آزادی در دستور روز قرار گرفت .

" خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه ای هم بالاتر است " (صحیفه امام ج 13 ص 418) - " وقتی دانشگاه ها بسته شد چه افراد مهم مخالفت کردند سابق وقتی دانشگاه دست ما نبود دیدید که چه حیواناتی بیرون می آمد " (60/4/2

صحیفه امام ج 14 ص 498) بی شک با توجه به ذات شناخته شده امام بنیاد گرای ماقبل قرون وسطی چنین خزعبلاتی ارزش پاسخگویی ندارد؛ اما اگر دانشجویان و فارغ التحصیلان دوران نظام ولایت فقیه این نوشته ها را ببینند چه احساس حقارتی خواهند کرد که مرجع تقلید جهل و ارتجاع دانش آموختگان عصر ولایت فقیه را انسان می نامد - زیرا آنها احساس کمبودی نسبت به تحصیلکردگان دوره های قبل نکرده و لقب انسان را از مرجع تقلید توهین بخود قلمداد می کنند . " دانشگاه بد نبودش بهتر از بودنش است ... اما با بودن یک دانشگاه فاسد ؛ افراد معاند و مخالف

با ملت با اسلام درست می شود " [افراد آگاه ضد ارتجاع ؛ استبداد و استعمار] (صحیفه امام ج 15 ص 430) - پس از انقلاب فرهنگی که در واقع هدف قراردادن اندیشه مستقل و آزادیخواهی بود می گوید : " اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شد ... نگذارند عناصر فاسد دارای مکتب های انحرافی یا گرایش به شرق و غرب در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مرکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند " (صحیفه امام ج 6 ص 445) آقای موسوی نخست وزیرش هم از امام مجوز می گیرد که معلمین هوادار گروه های مبارز ؛ برای ممانعت از تأثیر گذاری روی محصلین به دیگر مشاغل انتقال یابند و امام نیز به ایشان مجوز می دهد (صحیفه امام ج 21 ص 366)

8- نهاد ها ؛ احزاب و تشکل های دموکراتیک

ارتش ملی : پیشنهاد ارتش ملی در ملاقات 150 تن از دستادان دانشگاه و جامعه اسلامی در 57/11/27 توسط آیت الله خمینی رد شد و در مقابل آن دستور داد " پایینی ها از بالائی ها اطاعت کنند .. باید ارتش روی دیسپلینی که دارد محفوظ بماند روی آن نظمی که دارد (توسط پهلوپسم و کمک های همه جانبه آمریکا و بر علیه مردم شکل یافته) روی آن نظم رفتار کند (تا بسرعت سازمان یافته و از آن ببعد مجری منویات ولی فقیه در سرکوب ملت ها و زحمتکشان بپاخاسته باشد) (صحیفه امام ج 4 ص 402)

آیت الله خمینی : اینطور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد ؛ میزان ایده حزب است و اگر ایده چیز دیگری باشد [غیر از حزب الله] این حزب شیطان است هر اسمی هم داشته باشد بنابراین باید کوشش کنیم که حزبمان را حزب الله کنیم (صحیفه امام ج 17 صص 193 و 194)

شریعتمداری در پاسخ به علما که خواستار انحلال حزب خلق مسلمان بودند گفت : با روش موجود نیازی به انحلال حزب از طرف مؤسسن آن نیست بلکه حکومت خود همه احزاب را بتدریج با مارک امریکایی و صهیونیستی و ضد اسلامی منحل خواهد ساخت (هاشمی و انقلاب ؛ مسعود رضوی سال 1376 ص 305)

آیت الله خمینی : اگر ایشان [شاه] برونند کمونیست یک دانه هم پیدا نخواهد شد برای اینکه اگر ما فرض کردیم یکهزار و پانصد ؛ پنجهزار نفر هم باشد **همین جوان های قم می خورند اینها** را ؛ لازم نیست که تهران هم دخالت بکند (صحیفه امام ج 4 ص 170) - " ما نمی توانیم کمونیستها را بپذیریم برای اینکه خطر آنان برای کشور کمتر از خطر شاه نیست [زیرا شاه و شاهان بهر حال دستشان با روحانیت توی یک کاسه بود] (صحیفه امام ج 4 ص 457) - " اینجانب نمی توانم از جبهه ای ها [جبهه ملی] و نه از بزرگشان [دکتر محمد مصدق] اسمی ببرم و ترویجی بکنم راه آنها با ما مختلف است " (مجموعه آثار ج 3 ص 439) - آیت الله در مورد ادامه فعالیت جبهه ملی می گوید " هر فرد یا گروه و دسته ای که بتواند خود را با خواسته های نهضت اسلامی موجود [اجرای حدود شرعی و قصاص و ..] هماهنگ سازد می تواند در ادامه کار ؛ **وظیفه خود** [اسلام فقهی] را انجام دهد در غیر اینصورت در میان مردم جایی ندارد (صحیفه امام ج 5 ص 175) " کار این مسلمان ها با این منافقین مشکلتر است تا کارشان با محمد رضا " (صحیفه امام ج 16 ص 234) -

9- دموکراسی و حق رأی مردم

بدیهی است که نظام اسلام سیاسی دموکراسی نخواهد بود که چرا که دموکراسی نوع خاص از حکومت است که در آن حاکمیت و حق قانونگذاری به مردم سپرده می شود که در اسلام پذیرفته نیست لذا مناسبترین عنوان برای یک حکومت اسلام به اعتقاد مودودی "حکومت یا سلطنت خداوند" است آیت الله خمینی می گوید : " یک دموکراسی که در هر جا یک معنی دارد ... ما نمی توانیم در قانون اساسی بگذاریم که بعد هر کس که دلش می خواهد آن جوری درستش کند ما می گوئیم اسلام ؛ اسلام هر جا یک معنی ندارد اسلام یک معنی است " (صحیفه امام ج 10 ص 526) البته به زعم ایشان اسلام یک معنی دارد و آنهم برابر ماهیت خودشان یا دیگر مراجع تقلید ؛ در حالیکه اسلام حداقل در ایران نیز از اسلام مدرن سوسیالیست تا لیبرال و اسلام سکولار و اسلام سنتی گسترده است و آقای خمینی نماینده نوع بنیاد گرای آن است .

در نظام ولی فقیه نه آراء ملت ؛ نه آراء اکثریت و دموکراسی ؛ نه مصوبات آزادیخواهانه و مترقی هیچکدام ارزشی ندارند : آقای خمینی : " یک دو تا از شما [نمایندگان برای تصویب قانون اساسی] انتخاب کردند با خیانت انتخاب کردند آنها هم مال ملت نیستند کاش آمده بودند [انتخاب شدگان عبدالرحمان قاسملو عزالدین حسینی نمایندگان مردم استان کردستان] من خیال داشتم که بیاید [در مجلس افتتاحیه] همین جا نگهش دارند [زندانی شوند] " (صحیفه امام ج 9 ص 523) - " اصولا آنچه باید در نظر گرفته شود خداست ؛ نه مردم ؛ اگر صد میلیون آدم ؛ اگر تمام مردم دنیا یک طرف بودند و شما دیدید که همه آنها حرفی می زنند که بر خلاف حکم قرآن است بایستید و حرف خدا را بزنید و لو اینکه تمام به شما بشورند انبیاء هم همینطور عمل کردند " (صحیفه امام ج 13 ص 53) -

" اگر مسائل اسلامی باشد ؛ اگر در رأی هم مخالف باشید ؛ باید تو سرتان زد " (صحیفه امام ج 14 ص 378) - " اگر تمام جهان بر علیه من قیام کنند از حق و حقیقت دست بر نمی دارم من کار به تاریخ و آنچه اتفاق می افتد کاری ندارم من تنها باید به وظیفه عمل کنم " - (صحیفه امام ج 21 ص 331)

"اگر بجای اینکه او [محمد رضا پهلوی] رفت یک رژیم دیگر تحقق پیدا کند مثل رژیمی که در اروپا است مثل رژیم فرانسه .. که کاری به اسلام ندارد یک رژیم غیر اسلامی خیر؛ رژیم آزاد منشانه؛ رژیمی که استقلال هم داده؛ آزادی هم می دهد اما یک آزادی می دهد که وفق اسلام نیست ما همچو چیزی را نمی خواستیم و نمی خواهیم" (صحیفه امام ج 8 ص 42) - "قانون اساسی ما باید اسلامی باشد و اگر حرفی از او اسلامی نباشد... نه من رأی خواهم داد و نه ملت" - "همه تان [نمایندگان مجلس خبرگان] یک چیزی بگوئید که بر خلاف مصالح اسلام باشد؛ وکیل نیستید؛ حرفتان قبول نیست؟ ما به دیوار می زنییم آن حرفی را که بر خلاف مصالح اسلام است" (صحیفه امام ج 10 ص 221) - "بدون ذره ای ملاحظه؛ باید این قانون اساسی مطابق شرع؛ در چارچوب شرع باشد اگر یکی از وکلاء بخواهند از این چهارچوب خارج بشود اصلاً" وکیل نیسند طرح یک مسئله غیر اسلامی هر چه باشد هر چه مترقی باشد شما نمی توانید طرح کنید اگر رأی هم بدهد رأیش اگر خدای نخواسته همه آقایان هم رأی بدهند به یک غیر اسلامی بر خلاف وکالتشان است" (صحیفه امام ج 9 ص 302)

آیت الله خمینی: "آنکه این قیام را درست کرده است [خداست].. در سراسر ایران ایلاتی ها که اصلاً کاری به این کارها نداشتند... بازار تهران هم که اصل بازارهاست در این امور دخالت نداشت.. دانشگاهها هم که کاری نداشتند... جناح های سیاسی... جناح های روحانی هم... جرأت حرف زدن نداشت... جنود خداست که این کار را کردند امر خداست این کار مال بشر نیست که بگوئید پشتوانه ندارد این کار خداست (صحیفه امام ج 5 صص 38-39) اینست تحلیل رهبر انقلاب در مورد علل و عوامل ریشه ای تحولات اجتماعی که آخر و عاقبت بگوید انقلاب کار بشر نبوده بلکه کار جنود خدا است و حتماً شاه هم می گوید کار شیطان و اجنه است و نتیجتاً دو طرف انقلاب خدا و شیطان بوده اند و با توجه به پیروزی خدا به زعم آقای خمینی در قالب حکومت ولایت فقیه پس به پایان تاریخ ایران می رسیم؛ و بنظر وی اگر این جنودالله- بزعم آقای خمینی - صدها برابر شیطان به جنایت و نابودی پرداختند دیگر تغییری در نظام حکومتی ایجاد نخواهد شد و نهایتاً مردم هیچکاره اند.

"دشمن فقط محمد رضا خان نبود هر کس که مسیرش مسیر اسلام نباشد دشمن است [موضع طبقاتی؛ اعتقاد و یا عدم اعتقاد به دموکراسی و.. تأثیری ندارد]... هر کس جمهوری را بخواهد... هر کس جمهوری دموکراتیک بگوید این دشمن است" (صحیفه امام ج 7 ص 457)

خمینی: "فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است که نمایندگان مردم و یا شاه؛ به قانون پرداز می پردازند ولی در اسلام شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است. (ولایت فقیه ص 52) - اگر کسی بخواهد فساد کند، به مردم بگوید این شورای نگهبان کذا... این فساد است و مفسد است یک همچو آدمی باید تحت تعقیب مفسد فی الارض قرار بگیرد (صحیفه امام ج 14 ص 370) آیت الله خمینی به مجلس: در کمال قدرت با پیشنهادهای مخالف شرع مقدس مخالفت نمایید (کیهان 59/3/8) - آیت الله خمینی به شورای نگهبان: "با طرحهای مخالف اسلام که در مجلس از روی غفلت می گذرد شدیداً مخالفت نمایید و از قلمها هراس نداشته باشید" (کیهان 59/3/8) و کلیاتی از جمله حکومت اسلامی نوعی دموکراسی است و "میزان رأی ملت است"؛ را باید بر پایه حق مطلق حاکمیت خدا و نماینده او ولی فقیه تطبیق داد. مردم گرایی و اهمیت به آراء مردم در گفتمان فقهتی و بنیادگرایی

به مفهوم ؛ شناختِ اختباراتِ مردم ؛ در تعیین سرنوشت و قانون گذاری نیست و این حق به مفهوم انتخاب یکی از گزینه های کارگزاران مقلد ولی فقیه معرفی شده به مردم و در چارچوب اسلام سیاسی فقهاتی است و به مخالفین نیز اجازه رقابت و حضور در عرصه منازعه انتخاباتی نمی دهند

مهدوی کنی : روحانیت به مثابه پدر مردم محسوب می شود و راهنمایی و هدایت آنان را برعهده می گیرد (رقابت سیاسی ؛ ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی خواجه سروی ص 354 مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

آ سد علی آقا خامنه ای . : **کسانی بیایند و احکام و ضروریات دین را که از جمله ضروریات این قطعا قصاص اسلامی و شرعی است تجاهر کند این مرتد است و حکم مرتد هم در اسلام معلوم است (78/6/10)**

آیت الله میلانی : اگر قانون اساسی بطور کامل طبق قوانین شرع تدوین نشود و مسئله اتکای حکومت به نظام امامت و ولایت فقیه روشن نشود حکومت بر اساس طاغوتی و ظالمانه خواهد بود (مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران فلسفی محمد وحید 1384 ص 423 مؤسسه عروج)

حزب جمهوری اسلامی که ظرف تشکیل کلیه روحانیون حاکمیت برای سرکوب انقلاب بهمن 57 بود و همچنین مجاهدین انقلاب اسلامی مرز خودی و غیر خودی را اعتقاد به ولایت فقیه گرفتند و از مردم خواستند به کسانی که با ولایت فقیه مخالفند رأی ندهند (محمد جواد مظفر ؛ اولین رئیس جمهوری ص 101)

خبرنگار گاردین 57/8/10 : کمونیست ها ...بخاطر اینکه قبول ندارند یک نفر چه شاه و چه خمینی تنها کار کند خواستارند یک حکومت ملی برای مردم تشکیل شود آیا آیت الله فکر می کنند که می توانند این خواسته را اجرا کنند پاسخ : " در اسلام معیار رضایت خداست ؛ نه شخصیت ها ؛ ما شخصیت ها را با حق می سنجیم و نه حق را با شخصیت ها ؛ معیار حق و حقیقت است " (مجموعه آثار ج 4 ص 249) - " ملت مبارز آزادی [مجلس شورای اسلامی] خود را به اشخاصی دهند که به اسلام عزیز و قانون اساسی وفادار باشند و از تمایلات چپ و راست مبری باشند انحراف از این امر مهم اسلامی خیانت به اسلام و کشور و موجب مسئولیت عظیم است " (مجموعه آثار ج 12 ص 178)

آیا بهتر نیست که کسانی را که آراء آنها خیانت عظیم به ولایت فقیه است اصولا در رأی گیری شرکت نکنند و مورد شناسائی و تعقیب قرار گیرند و مدعیان ریز و درشت که اظهار می کنند مشی امام مبتنی بر دموکراسی و میزان رأی مردم است یا امام را نشناختند و یا خود فریبکار و دغلکارند زیرا امام فقط بر اساس اسلام فقهی نظر می داد

10-- نفی ملیت

- آیت الله خمینی : " ملی گرایی خلاف اسلام است ... خواست این 35 میلیون جمعیت این بود که ما اسلام را می خواهیم این نبود که ما ملی گرا باشیم ملی گرایی بر خلاف اسلام است این بر خلاف دستور خدا و بر خلاف قرآن است (کیهان 59/3/4)

سید قطب : ملی گرایی خلاف اسلام است (اصول گرایی و نظام بین الملل ص 71)

آیت الله جواد آملی: "ماقبل از اینکه به کشورمان علاقه داشته باشیم به قرآن علاقمندیم قبل از اینکه به خون و خاکمان علاقمند باشیم به ولایت علی و اولاد علی علاقمندیم" (حمید رسایی تخصص چرا و چگونه؛ نگاهی به خروش روحانیت در اعتراض به فتنه فرهنگی ص 182)-

بازرگان در مورد اختلافش با آیت الله خمینی می گوید: "امام خمینی خدمت به اسلام را از طریق ایران انتخاب کرده بود و نتیجه آن؛ نفی ملی گرایی و ملیون؛ نهضت ضد ایران؛ مکتب گرایی؛ انحصار گری؛ صدور انقلاب و اسلام؛ قهر؛ ستیر؛ و تعرض برای نابودی مستکبران جهان از جمله ابرقدرت های شرق و غرب و مخصوصا آمریکای جهان خوار قهر و اعتراض به دولتهای ظالم؛ استقبال از ایثار و شهادت بصورت فردی؛ ملی و کشوری... مراقبت از اجرای احکام در داخل کشور؛ کفر ستیزی و محو نظام های الحادی در سطح بین المللی و... (بازرگان؛ بازیابی ارزشها؟ ص 112)

ضدیت با نهضت ملی ایران

پیرو سخنان توهین آمیز واعظ اهل بیت حجت الاسلام فلسفی به دکتر مصدق و درج آن در توسط روزنامه باختر امروز عده ای از طرفداران نهضت ملی در مسجد شاه تجمع کرده و با شعارهای زنده باد مصدق زنده باد کاشانی و مرگ بر دشمنان نهضت ملی از رفتن وی به منبر جلوگیری کردند آیت الله خمینی پس از اطلاع از موضوع در 31/3/15 به آقای فلسفی می نویسد: "اخیرا که اطلاع حاصل شد خیلی موجه تأسف گردید؛ انسان متحیر است که با این وضعیت چه کند؟... در هر صورت جنابعالی نباید به این چیزها سنگر را خالی کنید؛ مفسدین همیشه می خواهند جنابعالی را از میدان بیرون کنند تا هر تاخت و تازی بکنند" (صحیفه امام ج 1 صص 30)- "حالا هم یکی دیگر را روی کار آوردند [شاپور بختیار] که با حربۀ "ملیت" با حربۀ "آزادیخواهی" همان آزادی خواهی که خود آن مردک [شاه] گفت "آزاد زنان و آزاد مردان" همان آزادی را می خواهند بدهند" (صحیفه امام ج 6 ص 28) - "قضیه نفت چون اسلامی نبود؛ ملتی تنها بود و به اسلام کاری نداشتند از این جهت نتوانستند کاری انجام دهند" (صحیفه امام ج 13 ص 39) - بزعم آیت الله توطئه های در بار و روحانیت و مرتجعین و طرح کودتای امپریالیست ها باعث سقوط دولت ملی دکتر مصدق نبود. "من نمی خواهم بگویم که در زمان ملیت؛ در زمان آن کسی که اینهمه از او تعریف می کنند [دکتر محمد مصدق] چه سلیبی ها بما زد آن آدم! من نمی خواهم بگویم که طلبه های مدرسه فیضیه را به مسلسل بستند در آن زمان" (صحیفه امام ج 13 ص 50) عدم حمایت مراجع از ملی کردن نفت و نیز عدم حمایت از نهضت ملی ایران و دکتر مصدق از نظر تاریخی آشکار است و در کودتای 28 مرداد آیت الله بروجردی از کودتا حمایت و بازگشت شاه را تبریک گفت و حجت الاسلام فلسفی بعنوان نماینده روحانیت در پادگان ها و مراکز نظامی حضور می یافت و از نظام شاهنشاهی دفاعی می کرد و شعار "چه فرمان یزدان؛ چه فرمان شاه" ترجیح بند سخنرانی های ایشان بود و آیت الله خمینی نیز از سال 32 تا هنگام مرگش در سال 68 حتی یکبار اطلاعی در محکومیت کودتای 28 مرداد و کشتارها و سرکوب های وحشیانه و گسترده کودتای آمریکایی - انگلیسی شاه صادر نکرد و سخنی در مذمت کودتا بیان نکرد در حالیکه هر سال بدون

استثنا در مورد سرکوب خونین 15 خرداد سخنرانی می کرد و اطلاعیه صادر و آن را محکوم می کرد این جریان را که حدود یکصد کشته داشت تعداد شهدا را 4000 نفر ذکر می کرد .

11- - مذهب دموکراتیک

آیت الله خمینی : اسلام آن بود که شمشیر را کشیده و تقریباً نصف دنیا یا بیشتر را با شمشیر گرفت این اسلام مرتجع است ؟ (صحیفه امام ج 1 ص 30) - "اعدام هایی که در اسلام هست اعدام های رحمت است (مجموعه آثار ج 8 ص 332)

آیت الله خمینی 59/12/15: البته انحصار به این معنی که باید اسلام باشد و غیر اسلام نباشد همه ما انحصار طلبیم ..مسلمین همه انحصار طلبند پیغمبر ها هم همه انحصار طلب بودند خدای تبارک و تعالی هم انحصار طلب است .. انحصار

طلبی - فی نفسه - امر فاسدی نیست (صحیفه امام ج 15 صص 201-200)

12- نظام حکومتی

نظام حکومتی اسلام سیاسی فقهاتی و بنیاد گرا با نظام و ساختار حکومتی نوع سلطنت دیکتاتوری آن تفاوتی ندارد بلکه فقط رأس آن تغییر می کند یعنی بجای شاه ؛ ولی فقیه قرار می گیرد . نظام طبقاتی ؛ نظام سیاسی و حتی حاکمیت سلطنت ؛ بوروکراسی سرکوبگر؛ ساختار های حکومتی ؛ نظام تصمیم گیری ؛ عدم مشارکت مردم و.....هیچ تغییری نمی کنند اگر شاه از دستورات شرع اطاعت نکند وی باید با یک شاه تابع ولی فقیه یا خود وی جایگزین شود .

آیت الله خمینی : " این اختناق را از بین می بریم و مملکت برای خودمان باشد خودمان اداره اش بکنیم ... یک " دزد"ی را بر می داریم یک " امین"ی را جایش می گذاریم مملکت بهم می ریزد ؟ (صحیفه امام ج 6 ص 36) آیت الله از تغییر جایگاه طبقاتی در جامعه ؛ تغییر ساختار ها ؛ تقسیم کار مجدد ؛ تغییر جایگاه و میزان سهم طبقات و ... و.....هیچ نمی داند و فقط تغییر یک نفر در رأس حکومت یعنی جابجایی خود با شاه را حلال همه مشکلات اجتماعی قلمداد می کند

منظور از حکومت انبیاء و طبیعتاً جانشینان آنها یعنی ائمه و ولی فقیه از نظر آیت الله خمینی : " مقصود پیغمبرها این نبود که دنیا را بگیرند و **آبادش کنند** مقصود این بوده که راه را به این **اهل دنیا به این انسان ظلوم** [بسیار ستمکار] و

جهول [بسیار جاهل] راه را نشان دهند آنطرفش ماوراء و ماوراء آن طرف نور مطلق ؛ انبیاء آمدند ما را به آن نور برسانند " (صحیفه امام ج 13 ص 34) اما اگر آیت الله فقیه اجازه دهند به ایشان می گوئیم این نور مطلق که شما مدعی

به دیدن آن هستید جز ظلمات و کوری مادرزاد چیز دیگری نیست روند یک ملت عظیم به قهقراء و تاریکی با رهبری و زعامت شما انجام گرفته است و چشمان ما به خیمه شب بازی های شما آنچنان خیره شده که تا چشم براه عقل و به

اتکاء و اندیشه و توان خود ندوزیم اثری از جامعه ؛ فرهنگ و انسانیت باقی نمی ماند اما در مورد جهل بطور نسبی درست می گوئید از نظر تاریخی با همدستی دربار فاسد ؛ روحانیون و طبقات مسلط و تجار از یکطرف و حکومت های

استعماری و امپریالیستی از طرف دیگر مردم ایران فرصت نیافتند که به جمع بندی های تاریخی دست زده و راه رهایی را بجای جستجو از درون خود و به اتکاء عقل ؛ اندیشه و توان خود و از طریق شوراها و شکل های

مستقل و آزاد بیابند و به دنبال شیادانی چون شما و اعقابتان همچون دیگر آیات عظام و حجج اسلام افتادند و اما شکست های زمانه می بایست درس های پر بهایی را به ما داده باشد که دیگر جز به نیروی خود به هیچ نیروی دیگری

تکیه نکنیم و این درسی گرانها است که قادر است اذتاب خونخوار شما را جاروب و حکومت انسانی و دموکراتیک خود را بنا کنیم آری جهل ما نسبت به نقاط ضعفمان هزینه های تاریخی و سنگینی برای ما داشت اما هر ضربه ای که مرا از پا در نیارد قویتر می کند و اینک ما آزادی و رفع تبعیض را در گستره قومی؛ جنسی؛ مذهبی؛ طبقاتی؛ عقیدتی و اقشار و گروههای اجتماعی را بطور رادیکال و ریشه ای پی میگیریم

13- انحصار حکومت

خمینی " اینجا مملکت امام عصر سلام الله علیه است باید از جانب در او دست نداشته باشند باید کسانی که پیوند با امام عصر - سلام الله علیه - ندارند کنار روند " (صحیفه امام ج 6 ص 81) - "ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است نه دیکتاتوری ... هر چه هم پریشان بشوید و هر چه هم بنویسید کاری از دست شما بر نمی آید ... من صلاحتان می بینم که دست بردارید از این حرف ها و از این توطئه ها و از این غلط کاری ها .. همانطور که توصیه به دموکراتها کردم به شما هم می کنم و شما و آنها را مثل هم می دانم منتهی شما ضررتان بیشتر از آنهاست این قدر حرف نزنید هر روز یک کاغذ بنویسید و هر روز یک نشریه بدهید " (صحیفه امام ج 10 صص 311-312) آیت الله وقتی می گوید ولی فقیه ضد دیکتاتوری است حتی در ادامه جلوی زبان خود را نمی تواند بگیرد و دائما تهدید و دندان نشان داده و رجز خوانی می کند

سؤال خبرنگار: ترکیب حکومت آینده چگونه است؟ جواب خمینی: "حکومت؛ جمهوری متکی به آراء عمومی و اسلامی و متکی به قانون اسلام؛ این را جمهوری اسلامی می نامیم". (صحیفه امام ج 5 ص 144) در اینجا موضوع اهمیت آراء عمومی و اسلامی خلط می شود و اگر بین خواسته مردم و آراء اسلامی تضادی بود کدام اولویت دارد توضیحی داده نمی شود اما جمله متکی به قانون اسلام (حدود شرعی و قصاص) تعیین می کند که آراء عمومی یک مفهوم عوام فریبی بیش نیست. کسی می تواند از این نوع روحانیت؛ آیات عظام و حجج اسلام یک کلمه و یا عبارت شفاف و بدون دغلکاری بشنود؟

سؤال خبرنگار: "آیا جریان های فکری دیگری بجز از آنچه شما دارید؛ می توانند در پیشبرد این مبارزه شرکت داشته باشند؟ پاسخ: "در ایران آنچه بصورت یک جریان فکری وجود دارد همان آرمان ها و خواسته های اصیل اسلامی است .. و آنچه را جز اسلام و آرمان های اسلامی و نهضت اسلامی است مطالبی است که نمی توان آنرا یک جریان نامید" (صحیفه امام ج 5 ص 175) خمینی یک سره کل جریان های فکری و سیاسی را از پایه و اساس منکر می شود. سؤال خبرنگار آسوشیتدپرس در مورخ 57/8/16: "با توجه به اینکه بعضی از این رهبران خواستار رژیم غیر دینی هستند که در تناقض با اصول اسلامی است آیا در این زمینه تفاهمی وجود دارد؟" جواب: "در نهضت مقدس اسلامی ایران؛ جایی برای اینگونه افراد نیست" آیت الله خمینی 59/12/15: "البته انحصار به این معنی که باید اسلام باشد و غیر اسلام نباشد همه ما انحصار طلبیم .. مسلمین همه انحصار طلبند پیغمبر ها هم همه انحصار طلب بودند خدای تبارک و تعالی هم انحصار طلب است .. انحصار طلبی - فی نفسه - امر فاسدی نیست (صحیفه امام ج 15 صص 201-200) هیچکس به این مست قدرت نگفت که اگر خدایی که می گویی انحصار طلب است میلیارد تنوع در خلقت و این که انسان را از نوع خودش آفرید برای چیست؟. بنیاد گرایی در سراسر جهان از نظر اصول کلی یکسان و انحصار طلب و مخوف هستند.

انحصار طلبی محور اساسی تمامی بنیادگرایان است: ابوالاعلی مودودی مؤسس حزب جماعت اسلامی پاکستان: "ما همه تحت یک حزب و آن "حزب الله" است می باشیم؛ احزاب مختلفه در کار نباشد؛ جناح های مختلف در کار نباشد" (به نقل از صحیفه امام ج 6 ص 295)

14- استفاده از دشمن خارجی در سرکوب مستمر داخل

"هر روز ما در جنگ برکتی داشتیم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم... ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم" (صحیفه امام ص 283)-

خبرنگار ژاپنی طی مصاحبه ای در مورخ 58/9/5 می پرسد: حضرت امام در نوفل لوشاتو وعده کردید که نه تنها آزادی ها حفظ می شود بلکه تعمیم نیز می یابند در صورتی که بعد از پیروزی انقلاب دیدیم که تظاهراتی بر ضد زنان شد و افلیت های قومی مثل کردها تحت فشار قرار گرفتند و روزنامه ها و احزاب سیاسی ممنوع شد آیا ممکن است این تناقض ها را برای ما روشن بفرمایید.

جواب مرجع تقلید ولی فقیه " این ها از اسرائیل خلیشان ارتزاق می کردند و بلندگوی اسرائیل و بلند

گوی آمریکا بودند" (صحیفه امام ج 11 ص 128)- استفاده عمده از جنگ برای سرکوب جنبش ضد دیکتاتوری و ضد

اسلام سیاسی ولی فقیه بود پیام امام در اولین روز جنگ ایران و عراق: "اگر برای باز شدن مدارس [دانشگاه ها]

اغتشاش بپاکنید یا شایعه سازی کنید معلوم می شود که شما عمال آمریکا و همدست صدام خبیث هستید"

بنیانه جنگ در 59/6/31 (صحیفه امام ج 13 ص 221)- یعنی در اولین روز جنگ رسمی آقای خمینی از آن برای

سرکوب دانشگاهها استفاده می کند و دانشجویان مبارز و آزادیخواهان را عمل آمریکا و همدست صدام قلمداد می کند.

و از این جهت است همانطور که خواهیم دید می گوید جنگ نعمت است و هر روزش فایده و ما اسلام و پایه های

انقلاب را در جنگ مستحکم کردیم

15- حکومت بر مبنای رعب و وحشت

اساس حکومت بنیادگرایی بر مبنای ترور و وحشت است؛ ولی فقیه می گوید: "این همان نصر به واسطه رعب است

که خدا در دل دشمنان ما رعب ایجاد کرده است" .. هرکسی حرف پاسدار می شنود دشمنان ما؛ منافقین... شدیدا" می

ترسند آنها هم که در خارج نشسته اند از پاسداران ما در ایران می ترسند" (صحیفه امام ج 16 ص 247) - "اسلام احکام

جنگ دارد اینقدر در قرآن راجع به جنگ با کفار و جنگ با اشخاصی که فاسد هستند در قرآن هست: شمشیرها را بکشید و

این علف های هرزه را قطعشان کنید... اینها را قطعشان کنید یا آدمشان کنید" (صحیفه امام ج 4 ص 33)-

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در محضر امام حکومت تحت شرایط ترور می آموزد: وی به امام می گوید: "مطلب

جدیدی که در صحبت های امروزتان مطرح شده بود "النصر بالرعب الهی" مطلب خیلی خوبی بود که از آن غفلت کرده

بودیم" (تاریخ 59/1/12 صحیفه امام جلد 12 ص 223) - در کدام کشور بوده که توحش؛ کشتار و جنایت و نسل

کشی رعب و وحشت ایجاد نکند؛ و خمینی به این رعب و وحشت افتخار می کند

حکومت اسلام سیاسی فقهی و قرون وسطایی یک لحظه بدون سرکوب نمی تواند سر پا بایستد و به همین لحاظ

شمشیر داموکلس را بر بالای سر همگان نگه می دارد

بنیاد گرایی اصولاً؛ دیگر جریان‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد تا با آنان وارد تعامل شود و خواهان حذف و نابودی کلیه جریان‌های موجود است و لذا راهکار جنگ در ذات بنیاد گرایی در عصر مدرن و خیزش ملت‌ها قرار دارد. در این میان بنیاد گرایی؛ منافعش فقط با با قدرت‌های امپریالیستی تطابق می‌یابد؛ زیرا قدرت‌های امپریالیستی نیز همدست بنیاد گرایان در تقابل با جریانات ملی؛ دموکراتیک؛ انقلابی و رادیکال هستند و از طرف دیگر محدوده حاکمیت بنیادگرایان را به رسمیت شناخته و آنها را تقویت نیز می‌نمایند و های و هوی بنیاد گرایان بر علیه امپریالیست‌ها و همدستانشان همانند اسرائیل؛ تنها برای خلع سلاح و سرکوب جریانات مترقی و مبارز ملی و انقلابی است و عملکرد بنیاد گرایان در تأمین منافع خود به تقویت امپریالیسم منجر می‌شود. همانطور که با گروگان‌گیری سفارت کل منطقه و ایران به گروگان آمریکا در آمد و آمریکا؛ دهها و صدها میلیارد دلار قراردادهای نظامی؛ اقتصادی با کشورهای منطقه منعقد کرد و برای حدود دو دهه نفت ارزان از منطقه بدست آورد سران رژیم که از خیمه شب بازی گروگان‌گیری استفاده خود را در فریب توده‌ها و سرکوب آنان کرده بودند ماه‌ها اعلام می‌کردند که آمادگی پس دادن گروگان‌ها را دارند؛ اما بعلت تداوم نان و آب داشتن گروگان‌گیری برای آمریکا از تحویل گرفتن آنان خودداری می‌کرد.

روزنامه جمهوری اسلامی که سیاست‌گذار حزب جمهوری اسلامی که کل سران حکومتی در آن متمرکز و عضویت داشتند **15 ماه قبل از شروع رسمی جنگ ایران و عراق** در سر مقاله سخن روز می‌نویسد: بعد از شاه نوبت البکر (رئیس جمهور عراق) است. (روزنامه جمهوری اسلامی 58/03/23) - آیت الله خمینی در 1358/3/19 به شیعیان لبنان: " ما در کنار شما با اسرائیل و آمریکا در حال مبارزه هستیم " (صحیفه امام ج 8 ص 70) - آیت الله خمینی در 59/7/8 یعنی 7 روز پس از آغاز جنگ: " در هر صورت جنگ خیلی خوبیست و آن این است که انسان را از شجاعتی که در ضمیر انسان است بروز می‌دهد... صدام حسین دستش را دراز کرده برای اینکه با ما مصالحه کند؛ ما مصالحه ای با او نداریم " (صحیفه امام ج 13 ص 249) - " تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را؛ کشته شویم تکلیف را عمل کرده ایم بکشیم هم تکلیف را عمل کرده ایم... شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و او برای نابودی اسلام الان اسلام به تمام در مقابل کفر واقع شده است... ابداً" قضیه سازش در کار نیست ما اصلاً" مذاکره نمی‌کنیم با اینها؛ برای اینکه فاسد و مفسد هستند و ما با این اشخاص مذاکره نمی‌کنیم " مورخ 59/7/8 (صحیفه امام ج 13 صص 251-252) - " اینکه می‌بینید عراق به ایران حمله می‌کند علتش گرفتن چهار وجب خاک نیست بلکه علت اصلی ترس آنها از حکومت اسلامی و اتحاد اسلامی است " (صحیفه امام ج 15 ص 5) - " ما می‌خواهیم قدس را نجات بدهیم لکن بدون نجات کشور عراق از این حزب منحوس نمی‌توانیم " (صحیفه امام ج 16 ص 354) - " ما راهمان اینستکه که باید از راه شکست عراق دنبال لبنان برویم نه مستقلاً" ... این چیزی که از عراق در چند روز پیش از آن مجلس عراق صادر شد [عقب نشینی و آتش بس یکطرفه؛ و عبور ارتش ایران برای جنگ در لبنان] که ما بلاد ایران را خالی می‌کنیم این یک مسئله توطئه است... اینها می‌خواهند تخدیر کنند ما را و جوانان ما را از جبهه منصرف کنند " (صحیفه امام ج 16 صص 352-353) - تدرک به شیوخ خلیج "دولت حجاز که یک روز بیدار می‌شوند که وقت گذشته است... حکومت اسلامی برای همه شیوخ منطقه بهتر است از یک قدرت پوشالی آمریکا... اگر حکومت حجاز جلوگیری از رفتن حجاج کنند اسباب

این می شود که اسلام و مسلمین انفجار در آنها حاصل بشود و دیگر نه از شیخی وجود پیدا شود و نه از بستگان آمریکا " - نقل به مضمون - (صحیفه امام ج 18 ص 34) - " صدام اینک به هر دولتی پناه بده و به هر دری می زند که [با صلح] خود را از این دام خود ساخته نجات دهد ولی بحمدالله موفق نخواهد شد " (صحیفه امام ج 18 ص 146) - " و شما و ما دیدیم که صدام اکنون تقاضای آتش بس کرده [59/7/12] - (صحیفه امام ج 13 ص 256) - " بعثی ها انشاء الله از عراق خواهند رفت و یک دولت اسلامی در آنجا خواهد آمد و ما با کمال قدرت دفاع از خودمان خواهیم کرد و کشور عراق را نجات خواهیم داد " (صحیفه امام ج 13 ص 261) - " و عن قریب انشاءالله انفجاری در عراق پیدا خواهد شد نظیر انفجاری که در ایران بود " [59/7/20] (صحیفه امام ج 13 ص 277) - " ما اسلام را می خواهیم حفظ کنیم و با بودن این حزب در عراق اسلام در خطر است " (صحیفه امام ج 13 ص 383) - حبیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی برای میانجیگری به ایران آمد [59/7/28] اما درخواست میانجیگری او رد شد و در پایان از ولی فقیه سؤال کرد: آیا اجازه می دهید که عده ای از رؤسای دولت های اسلامی جهت بررسی به ایران بیایند و با شما دیدار کنند؟ ولی فقیه پاسخ داد " برای رسیدگی به جنایات صدام [نه میانجیگری] آمدن به ایران مانعی ندارد " (صحیفه امام ج 13 ص 284) - " ما با کی صلح کنیم؟ این همانی است که کسی بگوید که فرص کنید که پیغمبر با ابو جهل صلح بکنند آخر قابل صلح نیست... ما جواب ملت عراق را چه بدهیم؟ حالا ملت خودمان هیچ! ما جواب ملت عراق را چه بدهیم؟ که یک رژیمی چندین سال بر او حکومت کرده است غاصبانه " (صحیفه امام ج 13 ص 296) - " تا گرفتاری ها نباشد؛ سختیها نباشد جنگ ها نباشد و کشتار دادن ها و سایر اثرات آن نباشد انسان از آن خمودی و از آن راحت طلبی که در ذاتش است بیرون نمی آید.. و این برکات زحمت ها و ناگواری های جنگ و لוחق جنگ بود... و این یک هدیه الهی است که بدون اینکه دست های بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارک و تعالی به ما عطا فرموده است و باید قدر این نعمت را بدانید " (صحیفه امام ج 14 صص 204-203) " من به تمام اهالی خوزستان و سایر مرز نشینانی که مورد تهاجم واقع شدید تبریک عرض می کنم... برای آن چیزی که از دستتان رفته است برای اینکه ظاهرا از دست رفته است " (صحیفه امام ج 14 ص 257) - " جنگ امروز ما؛ جنگ با عراق و اسرائیل.. عربستان و شیوخ... مصر و اردن و مراکش و ابرقدرت های شرق و غرب نیست جنگ ما؛ جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ؛ جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری ها... و این جنگ سلاح نمی شناسد این جنگ محصور در مرز و بوم نیست این جنگ؛ جنگ خانه و کاشانه و شکست و تلخی و کمبود و فقر و گرسنگی نمی داند " (صحیفه امام ج 21 ص 61) - " صدام پا روی اسلام گذاشته... دفاع از اسلام می خواهیم بکنیم صدام یکی از احکام اسلام را قبول ندارد.. صدام دارد ظلم می کند به ملت خودش [از نظر آیت الله یعنی احکام شرعی و قصاص را عمل نمی کند] به ملت خودش که مسلمان هستند و از ما می خواهند که ما هم از آنها دفاع کنیم.. شما می گوید یک کسی که خرد کرده است مسلمین را و به اسلام هیچ اعتقادی ندارند و هر روز زورش برسد اسلام را زیر پا می مالد و منهدم می کند ما با او بشینیم؟ (صحیفه امام ج 19 ص 231) - " ما اگر ببینیم بعضی دولت ها باز کمک می کنند کمک نظامی می کنند؛ کمک مالی می کنند... آنها را مجرم می شناسیم و ان شاءالله اگر برنگردند معامله مجرم می کنیم و احکام اسلام را در باره آنها جاری می کنیم " (صحیفه امام ج 16 ص 393) - " صدام تکریتی با دیگر آمادگی خود را به خاتمه جنگ با ایران و آتش بس در جبهه های نبرد

اعلام کرد وی در ملاقات با نماینده ایندیرا گاندی برای چندمین بار اعلام نمود که آماده مذاکره با ایران است و پیشنهاد آتش بس عراق را که هیچگاه مورد پذیرش جمهوری اسلامی نبود تکرار نمود... وی هر یک از نزدیکان خود و سردمداران را به اطراف و اکناف جهان فرستاد تا با التماس از سران دول آنها را به صورتی که شده واسطه قرار دهند تا ایران را وادار به پذیرش آتش بس پیشنهادی صدام بنمایند... انگار با زبان الکن می خواهد به ایران التماس کند که با پذیرش آتش بس اقلابجانش رحم کنیم و از اضمحلال و سقوطش بدست ملت عراق جلوگیری نمائیم دست بدامن این و آن شده و از نماینده خانم گاندی گرفته با بازار مشترک اروپا و شیوخ عرب ملتسانه می خواهد به هر نحو شده ایران را وادار به قبول ترک مخاصمه نماید (سخنرانی 59/8/6)

- سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان اعلام کرد تا استقرار جمهوری اسلامی در عربستان مبارزه خواهد کرد (جمهوری اسلامی 58/11/17) - عنقریب است که نظام فاشیستی اعلیحضرت همایون ملک حسن؛ این نوکر حلقه بگوش آمریکا به صف طویل رسوایان تاریخ معاصر پیوندد (جمهوری اسلامی 58/12/12) - بنی صدر: ملت ایران از تو ملت مسلمان [مصر] می خواهد بر ضد رژیم دست نشانده قیام کنی (روزنامه انقلاب اسلامی 59/01/17) - آیت الله منتظری: شعارهای ضد انقلابی در منطقه را حفه کنید (کیهان 59/6/15) - رژیم فعلی لبنان یک رژیم صهیونیستی است (روزنامه ج. ا. 59/6/16)

- پیام یاسر عرفات؛ و قذافی برای جلوگیری از گسترش جنگ و اعلام اینکه جنگ بین ایران و عراق تنها به نفع امپریالیسم و صهیونیسم است نادیده گرفته شد (کیهان 59/01/24)

- طارق عزیز معاون رئیس جمهور آمریکا گفت: ما خواهان حفظ حسن همجواری دو کشور هستیم.. وی گفت ما معتقدیم که جنگ واقعی می بایست با صهیونیسم و امپریالیسم باشد نه ایران که روابط مذهب و تاریخی با آن کشور داریم.... درباره شرایط آتش بس گفت: ما تنها خواهان به رسمیت شناختن حاکمیت ملی عراق هستیم و اینکه ایران در امور عراق دخالت نکند (روزنامه ج. ا. 59/7/5) -- رجائی نخست وزیر: جهاد جنگ و کشور گشایی نیست.. مامعتقد یم که صدام کافر است و به مردم مسلمان عراق تسلط بیجا دارد.... بنظر ما تا جائیکه این سد راه خدا در عراق وجود دارد ما پیش خواهیم رفت. جنگ زیان آور نیست ما چه کشته بشویم و چه بکشیم سود می بریم این جنگ؛ کشور با کشور نیست جنگ عقیده با عقیده است... تغییرات بخواست خدا در خاورمیانه ایجاد می شود ما باید این فرصت را مغتنم بشماریم و سختی هایش را هم بپذیریم... انشاءالله خاورمیانه را از شر رژیم های وابسته رها شوند (روزنامه جمهوری اسلامی 59/2/7) - جنگ ما با عراق تنها روی چند کیلومتر قرارداد 1975 اختلاف نداریم بلکه در کل کشور هم اختلاف نخواهیم داشت.. تهران خانه مردم عراق است همچنانکه برای ما کربلا و نجف و بغداد منزل خودمان است (روزنامه ج. ا. 59/9/1)

- آ سد علی آقا خامنه ای: میان یک رژیم اسلامی و یک رژیم کافر طاغوتی و میان حق و باطل مصالحه معنی ندارد صدام کوچکتر از آنست که لایق باشد... ما با آمریکا و روسیه طرف هستیم (اطلاعات 59/7/7) - این جنگ؛ جنگ قدرتهای بزرگ با اسلام است جنگ بین روسیه و سایر بدرت های مادی جنگ با جریان سومی که قرار است و می خواهد با برپایی یک انقلاب جهانی همه مستضعفان عالم را به رستگاری برساند (ج. ا. 59/7/29)

- رفسنجانی: اثر جنگ با بحال مثبت بوده است رویهم رفته از این جنگی که بر ما تحمیل شده ناراضی نیستیم ..
من فکر می کنم این جنگ با اینکه بر ما تحمیل شده برای ما مفید است (کیهان 59/7/15) - رفسنجانی " دولتی بنام
دولت اسرائیل در منطقه جایی ندارد " (روزنامه جمهوری اسلامی 60/5/7)

- دانشجویان پیرو خط امام: در آغاز این جنگ تحمیلی آمریکا این تصور پیش آمد که شاید جنگ در چنین شرایطی
بضرر ملت ایران باشد ... این جنگ به نفع اسلام می باشد ... هیچ گونه مذاکره و صلحی در کار نخواهد بود ... چرا که
امروز طلیعه رشد و نمو نهضت بزرگ اسلامی در همه ملت های اسلامی مشاهده می شود و با کمال قاطعیت و سرعت
در حال گسترش توحید و عدالت است

- آیت الله بهشتی: ما با صدام صلحی نداریم ما یک جنگ دراز مدت اسلامی در پیش داریم (روزنامه ج.ا 59/7/10)
- بنی صدر رئیس جمهور: عراق پیشنهاد کرده که بدون سرو صدا از میدان بیرون برود و آتش بس اعلام شود .
رفسنجانی: صدام بدنیال یک بهانه می گردد که خودش را نجات دهد بنظر ما نباید اجازه داد که صدام نجات پیدا کند و
این [صلح] ظلمی به مردم عراق است و مردم ایران و همه منطقه (روزنامه ج.ا 59/9/18) - مجلس: این جنگ انقلاب
ما را تکامل بخشید (روزنامه ج.ا 59/12/11)

آ سد علی آقا خامنه ای: امروز هیچ دولتی به اندازه دولت ایران با آمریکا نمی جنگد (کیهان 59/12/13)
آیت الله خمینی مرجع تقلید شیعیان جهان و مروج فقه اثنی عشری: کسانی که از جنگ خسته اند؛ فاسد و بی

ناموس هستند

آیت الله خمینی " شما چند نفر هستید مردم ایران که می گوئید از جنگ خسته شده اید؟ ... اینها [مردم] که خسته نشده اند
از جی خسته شوند؛ از اسلام رو برگردانند؟ .. معنایش اینست که ما از قرآن خسته شده ایم؛ از اسلام خسته شده ایم ... الایک
اقلیت فاسد خسته هستند .. از چی خسته اند؟ از دفاع از نوامیس شان خسته شده اند؟ از دفاع از اسلام خسته شده اند
؟ - " صدام اتهام می زند که از اسرائیل اسلحه گرفته ایم [که البته امروزه دیگر قابل لاپوشانی و تکذیب نیست و دولتمردان
خود اعتراف کرده اند] بعد خودش تبانی می کند که مرکز اتمیش بمباران شود " (صحیفه امام ج 16 ص 393) یکی
از صدها استفاده اسرائیل از جنگ ایران و عراق بدست آوردن فرصت برای بمباران مرکز اتمی عراق توسط بمب افکن
های اسرائیلی بود و آرامش خیال اسرائیل بازگشت و وزیر دفاع آمریکا برای منهدم کردن مرکز اتمی عراق به اسرائیل
تبریک گفت اما نظام ولایت فقیه و کل پادوها و روضه خوانانش یکصدا نابودی مرکز اتمی عراق را تبانی حکومت عراق
و اسرائیل دانستند که البته خود شان هم با توجه به تضاد دیرینه عراق و اسرائیل به این ادعا می خندند و یک تبانی
هیچوقت ریشه را هدف نمی گیرد در تبانی خیالی؛ بمب افکن ها می توانستند چند ساختمان مجاور و نه مرکز اتمی را
بمباران کنند و برای روغن زدن به تبانی مثلا یک هواپیمای بی خلبان هم سرنگون می شد . امام امت عصاره انبیاء و
اولیاء بزعم خود؛ اسطوره پاکی و صداقت و شرف؛ ظاهرا قرار نیست یک حرف راست بزند و یا یک قضاوت صحیح
انجام دهد .

(الف) دیدگاه طبقاتی

آیت الله خمینی : " انسان گمان می کند سعادتش به اینست که چند تا باغ داشته باشد چند تا ده داشته باشد در بانک ها سرمایه داشته باشد ؛ در تجارت چه باشد ... لکن وقتی ملاحظه می کنیم و سعادت ها سنجش می کنیم می بینیم سعادت مند آنهایی بودند که در کوحها بودند آنهایی که در کاخها هستند سعادت مند نیستند (صحیفه امام ج 17 ص 373)

و به این ترتیب بر فقر و بدبختی زحمتکشان و چپاول غرتگران و اختلاف طبقاتی ابدی آن صحنه گذاشته و آن را تئوریزه می کند - " بازار در طول تاریخ ؛ بازارهای تمام کشورها و خصوصا بازار تهران یک بازوی قوی از برای اسلام و برای کشور بوده است ... بازار باید مظهر تمام اسلام و عدالت باشد " (صحیفه امام ج 13 ص 525-527) -

خطاب آیت الله به شاه " خاضع به اسلام شوید ما شما را پشتیبانی میکنیم " تاریخ 42/1/21 - " به شما ها نصیحت می کنم که آقا دوست اسلام هستید ؛ هیأت حاکمه بر مسلمین به اصطلاح هستید ؛ شما عزیز باشید ؛ آقا باشید ؛ بزرگ باشید

بگذارید ما برای شما خدمت کنیم (26/ 42/01/ صحیفه نور ج 1 ص 104 و 109) - خطاب به شاه : " شما به اسلام اعتقاد پیدا کنید ؛ ما هم جزو سازمان شما ؛ همه ملت جزو شما " (صحیفه نور ج 1 ص 110) - " اگر

چنانچه تغییر رویه بدهید ؛ ما همه مسلم هستیم ؛ برادر هستیم ؛ رویه را تغییر بدهید خاضع بشوید نسبت به احکام شرع ؛ تصویب نامه های باطل را که مخالف احکام شرع است لغو کنید اگر شما هم همانطوری که ما همه مسلمان هستیم شما هم می گوید مسلمان هستید خاضع هستید برای احکام شرع ؛ ما علاوه بر اینکه مخالفت نمی کنیم پشتیبانی هم از شما می کنیم " (صحیفه نور ج 1 ص 111) - یعنی هیچ مشکلی با رژیم شاه و سرمایه داری آن نداشت و تنها اهمیت دادن به قوانین شرع (آنجا آن بر حسب ظاهر) بوده است .

(ب) اهداف

آیت الله خمینی : " همانطور که منافقین اظهار اسلام می کردند و حال هم می کنند ؛ اسلام راستین می خواهند نه اسلامی که در آن حدود شرعی جاری بشود ؛ نه اسلامی که در آن قصاص شرعی جاری نشود (صحیفه امام ج 17 ص 448) - یعنی اهداف و اصل اسلام اجرای حدود شرعی و قصاص شرعی است .

درخواست آیت الله از شاه " یکی دو ساعت از برنامه رادیو دست ما بدهید ... من به شما قول می دهم که نه با سلطنت شما مخالفت داشته باشد ؛ نه با وزارت شما ... ما مردم را آشنا می کنیم ؛ دنیا را آشنا می کنیم به احکام اسلام ... یک فرهنگی [ایجاد می کنیم] که یک دانه عربش وقتی می ایستاد جلوی امپراتور شمشیرش را در می آورد و آن دیباچ را کنار می زد و می گفت " رسول الله فرموده است که ما با لباس حریر نکنیم و ما روی حریر شما هم نمی نشینیم " ما این جور رجال درست می کنیم . (صحیفه امام ج 1 ص 391) - باید وزارت اوقاف از ما باشد ... آنوقت ببینید که ما با همین اوقاف این فقرا

را غنی شان می کنیم .. شما ما را اجازه دهید که مالیات اسلامی را به آنطوری که اسلام با شمشیر می گرفت

بگیریم از مردم ما فقرا را غنی می کنیم آن وقت ببینید که دیگر یک فقیر باقی می ماند (صحیفه امام ج 1

ص 392) -

ب) اخلاق

آیت الله خمینی در متن اندیشه بنیادگرایی که یک نگرشی مطلق گرا گراست بطور قطبی مسائل را در خیر و شر ؛ طاغوت و خدا ؛ اسلام یگانه و کفر مطلق می بیند و در یک دنیای مطلق " باید ها و نباید ها " و تحت کشش کنش ها و واکنش های درونی که بصورت تخریب مطلق هر چه که هست و غیر خداست و ساختن بر مبنای یک و فقط یک رنگ و یک الگوی دوران بدوی و نامتمدنانه فکر و زیست می کند و از اینجهت با نگرش نسبی و واقع گرایانه ؛ رعایت صداقت ؛ راستی ؛ انسانیت ؛ عدالت ؛ تکرر ؛ تسامح ؛ راست گویی ؛ آزاد اندیشی سر سوزنی سنخیت ندارد ؛ حقایق را بصورت مطلق واژگونه می نماید بزرگترین دروغ های تاریخ را بعنوان حقیقت مطلق بازگو می کند و بر عکس ملموس ترین حقایق را دروغ جلوه می دهد غیر خودی ها را شیطان جلوه می دهد و تمام خصایل و ویژگی های آنان را منکر می شود و خودی ها پاک و منزله از هرگونه زشتی ؛ برخی شواهد بقرار زیرند :

میزان سازندگی در حکومت ولی فقیه در سراسر کشور را در کمتر از دو سال حاکمیت خود ؛ علیرغم شرایط انقلاب و در هم ریختگی ساز و کار و نظام اقتصادی و جنگ داخلی علیه مردم بپاخواسته ؛ احزاب و سازمان های مبارز داخلی و سپس در شرایط اشغال سفارت و افزایش تنش های بین المللی و داخلی ؛ که تقریباً تمامی پروژه های در دست اقدام و بخشی از امور جاری را نیز متوقف گردیده بودند از پنجاه سال دوران پهلوی بیشتر می داند " این مقدار که جمهوری اسلامی به مردم به همه گرفتاری ها که داشته [کار] انجام داده بیشتر از آن مقداری است که در سلطنت اینها [پهلوی ها] بوده کاری نکرده بودند .. شیاطین همی نگویند که کاری نشده ؛ کاری نشده - 59/9/15 (صحیفه امام ج 13 ص 389) - " در این دو سال به قدر پنجاه سال سابق کار انجام دادند " 60/2/21 (صحیفه امام ج 14 ص 341) - در حالیکه در 60/8/4 یعنی

شش ماه بعد همین ولی فقیه مجبور است اظهار کند که " می گویند نابسامانی ها هست ؛ همه و همه قبول دارند این را کی هست که قبول نداشته باشد .. می خواهید که بعد از سه سال ؛ تمام امور هینطور درست مثل دسته گل حاصل شده باشد " (صحیفه امام ج 15 ص 336) - " آقایان می گویند هیچی نشده است چی می خواهید بشود؟ آنچه در زمان رضا شاه و محمد رضا شاه شده است که خیابانها را آن طور مرکز فساد قرار داده بودند تحولی که در جوان های ما پیدا شده است که از کاباره ها کشیده شدند به میدان جنگ با کفار ... و چشم تان را باز کنید ببینید چه خبر شده است در ایران؟ " (صحیفه امام ج 18 ص 58) و به این ترتیب ادعای سازندگی را به تغییر روحیات جوانان تبدیل می کند ؛ تغییراتی که ربطی به آیت الله نداشت و به تبع دوران انقلاب و سپس جنگ ایجاد شده بود

ارویا فالانچی خبرنگار : حضرت امام اینهایی که آلان دم از مخالفت می زنند [چریک های فدائی خلق و مجاهدین خلق ایران] عده ای هستند که اکثرشان مبارزه کرده اند و زجر کشیده اند و ضد رژیم گذشته بودند . جواب آیت الله خمینی : امکان ندارد حتی یکی شان نه مبارزه کرده اند ؛ نه رنج کشیده اند همه از رنج های این ملت استفاده کرده اند و برضد ملت قلمفرسایی می کنند (صحیفه امام ج 10 ص 93) - واقعا نمی توان تصور کرد که فردی را بتوان یافت که آگاه به سوابق و جریانات بوده اما اینچنین یاوه گوئی کند بعبارتی دامنه دروغگویی آیت الله و مرجع تقلید جهان تشیع حد و مرز و دامنه ندارد .

آیت الله خمینی تمام سیاست ها ؛ سرکوب ها ؛ کشتار و قلع و قمع و مجموعه اعمال خود را بنام حمایت از دین و قرآن انجام داده بطوریکه مخالفت خود با هر امری را مخالفت پیغمبر ؛ قرآن و حتی خدا فرض نموده هر چند در مراحل بعد و در دوران حاکمیتش مجبور شده از جمله حق رأی زنان و شرکت آنان در انتخابات را برسمیت بشناسد . وی برای سرکوب کردن همواره از مسئله ناموس و حضور اسرائیل استفاده ابزاری می نمود . آیت الله خمینی : " ما می دانیم دست های جنایتکار عوامل استعمار می خواهند بر ضد قرآن قوانینی وضع کنند ... از تساوی حقوق زن و مرد دم می زنند یعنی قرآن را زیر پا گذاردن یعنی مذهب جعفری را کنارزدن یعنی قرآن را مهجور کردن و بجای آن کتابهای ضاله [تورات و انجیل] قرار دادن ؛ یعنی دختر ها را به سرباز خانه ها کشاندن و سایر کارهایی که که نوامیس اسلام و مسلمین را به خطر تهدید می کند .. این تساوی حقوق زن و مرد ملغاست آن از نظر بیست میلیون ایرانی مردود و محکوم است (صحیفه امام ج 1 ص 161) . بخشی از معتقدین راستین به اسلام با توجه به تعبیر تاریخی از دین ؛ برابری زن و مرد را به رسمیت شناخته و در آن مخالفتی از جانب قرآن نمی دانند اما استفاده ابزاری آیت الله از معتقدات و مقدسات مردم و همچنین دفاع از نوامیس و کشور و میهن و خطر اسرائیل و همواره در تمام طول زندگیش جریان داشته ؛ در حالیکه اگر مصالح حکومت ولی فقیه اقتضا کنند به حراج گذاشتن و فروش آنها از نظر آیت الله بلامانع است ؛ اموری که در دوره سی ساله حاکمیت اسلام فقهاتی در جلو دیدگان تمام مردم ایران و جهان استمرار داشته است .

" شما به اسم کمونیست به اسم مارکسیست به اسم توده برای امریکا کار می کنید ... جیتان را آنها پر می کنند کی به شما پول می دهد " (صحیفه امام ج 9 ص 99) آیت الله بخوبی می دانند که در دوران جنگ سرد کمونیسم و آمریکا در مقابل و تضاد هم قرار داشتند و تضاد عمده برای طرف مقابل بوده اند و سازمان ها و گروه های مستقل مارکسیستی نیز با هیچکدام از دو ابر قدرت رابطه ای نداشتند . اما برای سرکوب و اجرای حدود شرعیه ؛ دروغ مستهجن می تواند مفید واقع شود . " این طایفه ای که ادعا می کنند ما طرفدار خلق هستیم ؛ طرفدار مردم هستیم ؛ ما از ایشان می پرسیم که آتش زدن خرمن ها چه منفعتی برای توده ها دارد " (صحیفه امام ج 9 ص 185) آیت الله دهها بار چنین اتهامات فریبکارانه را مطرح کرد و علیرغم آنهمه کشتار و شکنجه و اعتراف و تواب سازی ... یک بار یک سند هم ارائه نداد ؛ بنظر ایشان هر بهانه دروغ و بی ربط چون منجر به سرکوب غیر خدا - در نظام فکری ولایت فقیه - و در جهت تحکیم حکومت اسلام سیاسی فقهی است ثواب دنیا و آخرت در بر دارد و از طرف دیگر با توجه به نبود آزادی و دفاع متقابل و سرکوب مطلق می توان به نتیجه مطلوب رسید و آنرا بر حق جلوه داد " شما خیال نکنید که یک فدائی خلق شوروی ما داریم این فدایی خلق آمریکایی اند .. خرمن ها آتش می زنند ؛ کارخانه ها را از کار می اندازند همه خرابکاری ها را می کنند ... ارتباطاتشان ... [با] صهیونیسم ... ثابت است (صحیفه امام ج 10 ص 337) - " احزاب کردستان مربوط به رژیم منحوس شاهنشاهی هستند " (صحیفه امام ج 10 ص 428) . در حالی که این احزاب در یک نبرد مستمر با رژیم شاه قرار داشتند و تحت تعقیب ؛ زندانی و شکنجه واقع می شدند .

آیت الله خمینی : مملکت اسلام از اول 15 خرداد تا حالا بیشتر از صد هزار جمعیت از آن کشته شده و بیشتر از صد هزار معلول (صحیفه امام ج 13 ص 350) - " این انقلاب خونین و ننگین به اصطلاح سفید که در یک روز [15 خرداد] با تانک و مسلسل پانزده هزار مسلمان را از پای درآورد " - " کشتار 17 شهریور به بیش از 4000 نفر رسید " (صحیفه امام

ج 3 ص 470) آمار فوق کلا همه خلاف واقع و دروغ هستند بر طبق آمار بنیاد شهید از 1342 تا 1357 جمعا کمتر از 2500 نفر شهید وجود داشته است. و از زمان کودتای 28 مرداد تا دوران انقلاب بنا به تحقیق عمادالدین باقی حدود 3750 نفر توسط رژیم شاه کشته شدند و مقام آیت الله عظاما می بایست برای تأمین منافع خود هر دروغی را تراوش نماید؟ و آنگاه بقول خود و مقلدی «فردی معنوی و از عالم ملکوت است در اینصورت باید گفت مگر در عالم ملکوت چه خبر است که چنین موجودات ضد بشر را به جامعه تحویل می دهد؟ "دانشگاهی که اتاق جنگ بوده برای کردستان یعنی در دانشگاه اتاقی بوده است که جنگ کردستان را، جنگ دموکرات را و سایر اشرا را اینها اداره می کردند شما یک همچو دانشگاهی می خواهید؟" - 59/9/27 (صحیفه امام ج 13 ص 414) - "حکومت مصر این را گفت هر جا کلمه "اسلام" در کار باشد ما این را از بین می بریم" (صحیفه امام ج 16 ص 186) - در ولادت حضرت رسول چهار کنگره از طاق کسری فرو ریخت ... یعنی در قرن چهاردهم این کار می شود ... محتمل است که این بنای ظلم شاهنشاهی بعد از چهارده قرن از بین می رود و بحمدالله رفت از بین " (صحیفه امام ج 19 ص 425) - یعنی آیت الله خمینی مرجع تقلید می گوید که سرنگونی رژیم محمد رضا پهلوی در زمان ولادت حضرت رسول پیشگویی شده بود - آیا این عبارات فریبکاری محض نیست تا حکومت خود را خدایی و مخالفت با این حکومت ارتجاعی و ضد بشری را بعنوان ضدیت با حکومت خدا مرتد و مستحق مرگ اعلام کند؛ از اینجا روشن می شود که شایعه ای که در مغز عوام در سال 57 مبنی بر رؤیت عکس امام در ماه بر افواه افتاد؛ ساخته و پرداخته خود آیت الله بوده است که بعدا هم هیچگاه چنین خرافه ای را مذمت نکرد. شعبده بازی؛ در حفظ حکومت آیات عظام پایانی ندارد و تا مردم ما به کنه این شیادی ها آگاه نشوند همچنان در بازی ساختگی اصول گرا و اصلاح طلب درون حکومتی بازی خواهند خورد. آیت الله در اینجا قانونمندی جامعه شناسی؛ تاریخی؛ قوانین تحولات اجتماعی همه و همه را نفی می کند و از نظر ایشان علت تمام تحولات در عالم غیب قرار دارد. "الان تمام اقتصاد مملکت در دست اسرائیل است عمال اسرائیل اقتصاد ایران را قبضه کرده اند اکثر کارخانجات در دست آنها اداره می شود. (صحیفه نور ج 1 ص 98) - [یک سرباز] خودش اعتراف کرد که من را از اسرائیل آورده اند این یک اتومبیل هم آنجا بود که پر بود از سربازها از همین سنخ [اسرائیلی] اینها ملت ما را با سربازهای اسرائیل کشتند (صحیفه امام ج 5 ص 462) - "جنگل های ما را ملی کردند دست ملت را از آن کوتاه کردند و به خارجی ها دادند (صحیفه امام ج 6 ص 291) - همه مراکز آموزشی را اینها مرکز فحشاء قرار دادند. (صحیفه امام ج 6 ص 345) - سخنرانی در سال 1341: "بعد از ده سال دیگر یک جوان سالم برای این مملکت باقی نمی ماند

... تمام مراکز به فحشا کشیده می شوند (صحیفه امام ج 1 ص 136) - اما این سخنان اراجیفی بیش نبودند زیرا همان جوان ها در یک مبارزه قهرمانانه در انقلاب پیروز شدند و بخشی از همان ها که امید واهی به آیت الله داشتند در جنگ شرکت داشتند.

امام بزرگوار که ادعای برگزیده بودن از طرف خدا و نایت امام زمانی را دارد و چون خود را حق مطلق می داند هیچ حد و مرز و محدودیتی در قبال یاوه های خود ندارد و هر جا به مقتضای شرایط اظهارات متضاد و متناقضی دارد و چون ولی فقیه است همه اش هم درست هستند.

خمینی کسی را خدمات بی شائبه ای بوی کرده باشد تا وقتی که از حدود اسلامی عدول نکرده باشند مورد تفتقد قرار می داد اما به در هر جا که از امام تقلید نمی کرد مورد خشم و سرکوب امام قرار می گرفت نمونه اول: وی هنگام مسافرت از پاریس به تهران در بین خارج نشینان؛ تنها و تنها از دکتر ابراهیم یزدی قدر دانی نمود؛ ویژگی آقای یزدی رنگ آمیزی امام و اهداف قرون وسطایی از جمله ولایت فقیه وی از قرون ما قبل تاریخ؛ به عصر مدرن بود با حفظ همان ماهیت و ظاهر سازی آن برای قالب کردن آن به مردم ایران بود و آقای یزدی نیز افتخار آمیز ترین کاری های خود را خدمت به امام می داند و طرح فریب کارانه رفراندوم جمهوری اسلامی - که تنها رفراندوم اسم سیاسی حکومت بود و بعداً " ولی فقیه قانون اساسی ارتجاعی و قصاص و احکام شرعیه و هر اصل ضد بشری را به آن سوار کرد - و نیز اعلام روز جهانی قدس و تشکیل سپاه پاسداران و غیرو را آقای یزدی از افتخارات خود می داند. خمینی در مورد آقای یزدی می گوید: " درسفری که ناچار به پاریس متهمی شد جناب آقای دکتر یزدی از لحظه اول همراهی نمودند و مدت چهارماه و چند روز تحمل زحماتی ارزنده نمودند و خدمات ارزنده ای به نهضت مقدس کردند" (صحیفه امام ج 6 ص 7) - " یک کسی را که من سی سال می شناسم مثل همین آقای دکتر یزدی و آقای دکتر بهشتی؛ من یک وظیفه شرعی می دانم از یک مسلمانی که به درد ما می خورد به درد اسلام می خورد و خدمت کرده است [دفاع کنم]" (صحیفه امام ج 10 ص 277) اما اگر کسی که خروارها کمک به امام امت کرده باشد و تنها در یک جا با وی مخالفت کند؛ آیت الله تمامی اقدامات و خدمات وی را نادیده و آنرا نفی می کند؛ نمونه دوم آیت الله منتظری می باشد که وی نیز یک بنیادگرا و طراح نظام ولایت فقیه و حامی ولی فقیه و پشتیبان جنگ و قانون اساسی و گرفتن سفارت و کشتار های سال های 59 تا مقطع 67 می باشد اما وقتی در مورد اعدام زندانیان سیاسی در سال 67 اعتراض کرد آقای خمینی بوی گفت " روشن شده است این کشور و انقلاب اسلامی.. را پس از من به دست منحرفین و از کانال آنها به منافقین می سپارید... و نشان دادید که لیبرال ها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند.. نامه ها و سخنریهای منافقین که بوسیله شما به رسانه های گروهی میرسید ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان و خون های پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید شاید خدا کمکتان کند" و در انتها وی را تهدید کرد که " اگر اینگونه کارها را ادامه دهید مسلماً تکلیف دیگری دارم و می دانید که از تکلیف خود سرپیچی نمی کنم" (صحیفه امام ج 21 صص 282-283) - به آقای منتظری دو راه نشان داد توبه و عمل طبق دستورات ولی فقیه و یا سوختن در آتش ولی فقیه در زندان اوین و آیت الله منتظری طی نامه ای توبه و اعلام اطاعت از دستورات ولی فقیه را نمود و از مرگ خلاصی یافت و با این رویه خمینی مقلدین خود را همواره مطیع و کفش جفت کن خویش نگاه می داشت. و کلیه دولت مردان کنونی چه اصولگرا و چه اصلاح طلب درون حکومتی پا به پای آیت الله و در تمام مراحل سرکوب ها جنایت ها؛ کشتارها و اعدام های دستجمعی و کلیه پرده دری ها و تجاوزات و نسل کشی حضور داشتند و دم بر نیاوردند و در خیمه شب بازی های از رفراندوم جمهوری اسلامی تا تصویب قانون اساسی ارتجاعی و ضد بشری و دیگر مراحل آن شرکت داشتند و برخی از روحانیون مخالف نیز به انحاء مختلف سر به نیست و یا مجبور به سکوت و گوشه نشینی شدند. ولی فقیه در صورت ابراز وجود و اظهار نظر افراد؛ تا آنان را مجبور به توبه و اطاعت نمی کرد آزادش نمی گذاشت. و این رویه را یکبار در مورد آ سد علی آقا

خامنه ای رهبر فعلی عمل کرد که آسد علی آقا فوراً تسلیم شد و محترمانه توبه نامه ای نوشت و به شاگردی ولی فقیه و اشتباه خود اقرار نمود: خامنه ای نوشت: "ارشادات آن حضرت که مانند همیشه ترسیم کننده خط روشن اسلام است... بر مبنای فقه حضرت عالی که اینجانب سالها پیش آن را از حضرتعالی آموخته و پذیرفته و بر اساس آن مشی کرده ام موارد و احکام مرقوم در نامه حضرتعال جزو مسلمات است و بنده همه را قبول دارم... امید است سالهای متمادی این ملت عزیز فداکار و مسئولین همه از فکر بیدار و روشن و رهبری بی بدیل جنابعالی بهره مند گردند (صحیفه نور ج 20 ص 455) و به این طرق موضوع خاتمه یافت اما یکبار نیز بجهت تنش حاصله؛ این مقلد مثل موم در دست آیت الله و سر بزیر با تشر آیت الله دچار بیماری اسهال شد و مدتی از مجامع دوری گزید.

خمینی: "من باید یک تنبه دیگری هم بدهم و آن اینکه من که ایشان [مهندس بازرگان] را حاکم کردم یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم ایشان را قرار دادم... ایشانرا که من قرار دادم واجب الاتباع است ملت باید از او اتباع کند یک حکومت عادی نیست یک حکومت شرعی است.. مخالفت با این حکومت مخالفت با شرع است؛ قیام بر علیه شرع است قیام بر علیه شرع جزایش در قانون هست؛ در فقه ما هست؛ جزای آن بسیار زیاد است در فقه اسلام قیام بر ضد حکومت خدایی قیام بر ضد خداست قیام بر ضد خدا کفر است" (مجموعه آثار ج 6 ص 59) خمینی می گوید: "من؛ من" میکند که جزایش زیاد است اما نمی گوید جزای کفر و ضد حکومت خدا و... اعدام است. آقای بازرگان و کل نهضت آزادی و همچنین برخی عناصر جبهه ملی در دولت آقای بازرگان در نظام ولایت فقیه خدمت کردند که فقیه آن می گفت: حکومت مردم؛ با حکومت شرع اساسا متفاوت است" همکاری نهضت آزادی و امثالهم نشانگر اینست که وقتی توده ها موانع و سدها را برداشته و جامعه در موقعیت انقلابی قرار بگیرد؛ لیبرالیسم؛ استقلال در مبانی فکری؛ اصول؛ راهکارهای خود را بکنار گذاشته و به زیر چتر دیکتاتوری؛ فاشیسم و حکومت خدا می لغزند؛ یعنی معیارهای آزادیخواهی بورژوازی خود را زیر پا می گذارند؛ وقتی ضد انقلاب؛ کار انقلاب را تمام کرد دیگر نیازی به لیبرال ها نداشت؛ آنها را به بیرون حاکمیت پرتاب می کند. پس از سقوط دولت بازرگان متأسفانه اعظم وزرای دولت بازرگان در مقام وزارت؛ زیر نظر "شورای انقلاب" که اکثریت اعضا و عناصر کلیدشان؛ را رهبران حزب جمهوری اسلامی یعنی سرنیزه ضد انقلاب حاکم تشکیل می دادند بکار خود ادامه دادند. این جناح ها هم اکنون منتقد نظام جمهوری اسلامی بوده اما مترسد باز شدن اندکی فضا و پذیرش خود در درون حاکمیت ضد انقلابی می باشند و آماده اند که باز امام "مجسمه ارتجاع" را انقلابی و مقاومت دلیرانه مردم و مبارزین و احزاب و سازمان های مبارز؛ در عدم پذیرش نظام ارتجاعی و پوسیده ولی فقیه را چپ روی بنامند و باز حاضرند حاکمیت دینی را تطهیر کنند؛ از اصلاح طلبان درون حکومتی که اینک اخراج شده اند تا یزدی نهضت آزادی و اعوان و انصار؛ هنوز پس از سی سال؛ ایدئولوژی متعفن نظام ولایت فقیه را گلاب می پاشند تا عمق تعفن آن منتشر نشود؛ امثال دکتر سروش که در فضای خونین تهاجم فرهنگی؛ خود یکی از تئوریسین های ضد انقلاب بود اما بلحاظ اینکه در عوالم مجردات سیر می کرد و بقول خود فیلسوف بود؛ واقعیات متعفن محیط خود را نمی دید و یا خود را به ندیدن می زد. درست مثل کسی که در برکه آب بسیار متعفن و گندیده ای شنا می کند اما بوسیله تجهیزات تنفسی و ماسک؛ از اکسیژن تانک همراه خود تنفس و از درک محیط خود عاجز است. آقای سروش ادعا می کند که برای باز شدن دانشگاه و نه تعطیلی آن کار می

کرده است اما اگر فضای دوران؛ جو ترور و وحشت؛ نسل کشی و بزرگترین جنایات تاریخی و بی حقوقی را باز سازی کنیم و کشتارها و اعدام ها و کینه خمینی نسبت به تحصیلکردگان و فحاشی نسبت به دانشگاهیان؛ آزادی خواهان؛ زنان؛ کارگران و زحمتکشان؛ ملیت ها و خیزش ارتجاع برای ریشه کن کردن کل پدیده های نوین و مدرن را در این بازسازی جا گذاری کنیم آنگاه مشاهده می کنیم که قرار گرفتن و حتی نزدیک شدن به نظام ولایت مطلقه فقیه واقعا؛ یک عمل خائنانه و جنایتکارانه بوده است و کسی که اکنون ادعای آزادی و انسانیت می کند باید ضمن بازسازی کل فضای دوران و عملکرد رژیم؛ نقش خود را صادقانه بدون لاپوشانی تشریح کرده و ضمن انتقاد از خود؛ رویکرد و برنامه خود در جهت حذف و محو نظام برده داری ولایت فقیه و جایگاه خود در صف مبارزه مردمی روشن نماید اینکه رژیم ارتجاع و ضد انقلاب جامعه ایران را به قهقراء و لبه پرتگاه کشاند اما این ادعا که در این جهنم سوزان؛ من در بالاترین سطوح مملکتی و تنگاتنگ جنایتکاران تاریخ در حال انجام دادن کارهای مثبت بودم هیچ فرد عامی نمی پذیرد چه برسد به یک روشنفکر و یا فیلسوفان مدعی!! زیرا مبرم ترین کار مثبت مبارزه با رژیم سرکوب و خفقان بوده است.

آقای. بازرگان این صادق ترین مرد سیاست ایران؟!!!! آنقدر صادق است که وقتی امام می گوید بنا به حاکم شرع و ولایت فقیه؛ تو را نخست وزیر می کنم؛ بازرگان می شنود که امام می گوید: برای مردم! و بنام مردم! تو را نخست وزیر می کنم (به اظهارات آقای بازرگان در گرفتن حکم نخست وزیری مراجعه نمایید)؛ صداقت وی و نظایرشان آنچنان کودکانه بود که فقط خواسته ها و امیال و رؤیاهای خود را می دیدند و از درک واقعیت های ضمخت جاری غافل بودند و وقتی متوجه بخشی از ماجرا شدند که ارتجاع شیره توانمندی های آنها را کشیده و استفاده خود را کرده و مابقی را دور انداخته بود. هر چند ایستادگی آنان در مراحل بعد روی اصول و مبانی خود با ارزش است اما وادادگی و یا همدستی حتی خیانت اولیه با مخوف ترین نیروهای ارتجاعی ضد انقلابی را نیز نباید از فراموش کرد تا نتیجه گیری برای دوره های بعدی مبارزه شفاف گردد. و ملاک صداقت آنان برای اصلاح گرا بودن جدیت در تحقق خواسته های واقعی مردم و شکست کامل ضد انقلاب حاکم بخصوص نقد صادقانه و موشکافانه نسبت به سیر تا کنونی و نقش خود در آن؛ معیارهای ارزش یابی صداقت آنانست؛ اما اینکه با گل آلود کردن آب همه را در هم مخلوط کنند و به نفع خود ماهی بگیرند تداوم راه تاکنونی آنانست.

. قضاوت های آیت الله در همه موارد خرواری و بی سرو ته بود؛ در مورد رژیم شاه می گوید: " به اقتصادش نگاه کنید که مصیبت است الان احتیاج مملکت ایران به خواربار [خارج] یازده ماه الا سه روز احتیاج به خارج دارد یعنی با سی و سه روز ایران می تواند [خود را] اداره کند (صحیفه امام ج 4 ص 64) - " آنکه در دبستان ها می گذرد دختر کوچولو ها را کشتند؛ امسال نوبت رسید به این دختر بیچه های هفت هشت ساله " (صحیفه امام ج 4 ص 69) آیت الله خیلی دلش برای کشته شدن بیچه های کوچولو؛ که رژیم شاه در حمله به دبستان ها کشت؛ سوخت!! - که البته منبع اطلاعات ایشان همانند آمار کشته های 15 خرداد و جنگ مجهول است - و اساسا ایشان فوق العاده دلرحم است تبریکی که آیت الله برای تخریب خانه های مناطق جنگی گفت از خاطر نرفته است برای همین دلسوزی بود که از دبستان به سر بیچه ها به اجبار حجاب کرد و به خاطر همین دلسوزی ها بود که انبوه کودکان را در زندان همراه مادرانشان نگاه می داشت و بخاطر همین رنجش بود که مادران حامله به جوخه اعدام سپرده شدند. خمینی می گوید "

اینطور تبلیغات دارد می شود که یک زن آبستنی که اسمش را هم می گوید ؛ فلان زن شش ماهه آبستن بوده ؛ همه چیزها و خصوصیاتش را [اعلام می کند]... این را اعدامش کردند بچه اعدام کردند آن کارهایی که خودشان دارند می کنند به گردن شما ها و ماها می اندازند " . این دیگر از عجایب روزگار است که امکان بازسازی آن در هیچ نقطه ای از تاریخ و در تمامی جهان وجود ندارد که در درون زندان حکومتی فاشیست و جلاد ؛ مخالفین حکومت ؛ زن باردار را اعدام می کنند و به گردن حکومت بیندازند . واقعا تمامی مردم در سراسر جهان باید جمع شده و صداقت و امانت و انسانیت را از آیات عظام ؛ وصی انبیاء و اولیاء و مراجع تقلید بزعم خودشان - بیاموزند . و ایشان در جای دیگر در جواب همین سؤال می گوید : " بی اطلاعم . ما چه می دانیم حالا چه شده است . وقتی به محکمه رفته است محکمه حکم کرده است " . (صحیفه امام ج 6 ص 103)

در مورد برخی اظهارات مختلف آیت الله قضاوت کنید : " این آقا [شاه] می گوید که باید از خورشید ما چیز [انرژی] بگیریم تو چراغ نفتی را نمی توانی روشن کنی " (صحیفه امام ج 3 ص 494) - " این مملکت صد سال فرهنگ و دانشگاه دارد ولی دکتر ندارد ؛ مهندس ندارد " (صحیفه امام ج 1 ص 118) - " آن هایی که در ایران هستند کمونیست نیستند آنهایی که در ایران هستند سازمان امنیتی [هستند] خلیشان همین طوری اند اینها سازمان امنیتی اند (صحیفه امام ج 4 ص 103) - " این ترورها و کشتن رئیس جمهور و نخست وزیر [رجایی و باهنر] را یک بچه 12 ساله می تواند انجام دهد " (صحیفه امام ج 16 ص 346) و اگر بخواهیم همه موارد دروغ و فریب کاری آیت الله را بازگو کنیم تمامی گفته هایش را باید ذکر کرد . در تمامی این موارد برخوردها و خصومت ها و کینه توزی های شخصی ؛ غیر منطقی و خلاف واقع موج می زند. درست است که او خود را جای خدا نشاند ؛ اما مگر خدا گفتار بی حساب و کتاب دارد ؟

ت) بلوف زنی و گنده گوئی

خمینی این ویژگی را از پدر خود به ارث برده بود هر چند در مورد پدر ایشان روایت ها است و در تمام دوران سلطنتش خمینی نامی از پدر خود نبرد و خود خاطراتی بصورت تخیل نقل می کرد که در دوران نوجوانی اسلحه داشته با راهزنان (و یا برای راهزنان) مبارزه کرده ؛ قدرت نمایی مطلق ؛ گفته های بی پایه و اساس و آنرا از طرف خدا و پیغمبر و قرآن قلمداد کردن خود را جانشین خدا دانستن از ویژگی های ایشان بود وی می گوید " ما در اعلی مرتبه تمدن هستیم ؛ اسلام در اعلی مرتبه تمدن است مراجع تقلید در اعلی مرتبه تمدن هستند " (صحیفه نور ج 1 ص 113) و طرف مقابل خود را کوچک و حقیر نمایاندن ؛ هیچیک از اقشار و احزاب و شخصیت ها را قابل قیاس ندانستن ؛ دروغ های مطلق (فرو ریختن دیوار ایوان کسری مرتبط با انقلاب اسلامی) دشمن خود را به لجن کشیدن و هر یاوه ای را در مورد آن ساختن ؛ تناقض گویی مطلق و هر دو را حقیقت محض دانستن از ویژگی ها و خصائل ایشان است . که در مورد هر یک از موارد بالا نمونه های متعددی وجود دارد که از هر کدام نمونه ای تا کنون مطرح شده است اما متأسفانه این بلوف زنی در شرایط قطبی جامعه ایران و تحت دیکتاتوری فاشیستی پهلویسم جا افتاد و پهلوی ملت ایران را چشم بسته تحویل جانی بدتر از خود تحویل داد که با راهنمایی های باصطلاح مدرن ها از نهضت آزادی تا برخی عوامل رژیم قبل و تحصیل کرده های رانت خوار دوران خودش توانستند یک سازمان ترور و سرکوب را بر پا کنند که همانطور که خود

می گوید کم نظیر است . و اینک همه ارکان حکومتی نیز به پوچی و بی محتوایی ادعاهای خمینی آگاه شده اند و دیگر نظام حاضر نه از روی اعتقاد به امام امت ؛ حتی اسلام فقهاتی و از آن ریشه دار تر اعتقاد به هر گونه اسلام و دین حضور دارند بلکه سلسله مراتب اداری ؛ وظیفه سازمانی ؛ داشتن پاداش های هنگفت و تقسیم رانت نفت لایزال ؛ درآمدهای کلان و داشتن قدرت بلامنازع و غیر پاسخگو اینک نظام را سر پا نگه داشته است دار و دسته توطئه گری که دیگر قادر به پنهان کردن فضاحت نظام ولایت فقیه در این سی سال نیستند و تا وقتی که مردم بر این وضعیت نشورند چرا به این وضعیت و چپاول خود ادامه ندهند ؟ اینک وقتی ولی فقیه حاضر آسد علی که حتی مسیر فقهت حوزوی را هم نپیمود و روضه خوان پادوی دیروز در این سمت سخن ور می کند جز خنده و کمندی در مورد این مضحکه و تأسف برای درد و رنج ملت ؛ چیزی به انسان دست نمی دهد .

ث) بی اخلاقی و فحاشی

این خصیصه آیت الله نه تنها در مورد مخالفین ولایت فقیه و در مورد تمامی طیف ها و جناح ها و احزاب مختلف ؛ بلکه حتی برای نزدیکان و حواریونش نیز بکار می برد ؛ و آنها را میخکوب می کند تا اظهار وجود نکنند ؛ الفاظ بسیار رکیک و بی ادبانه و بد تر از چارواداری و کینه توزانه که در بسیاری از موارد در مورد توده های مردم هم مورد استفاده قرار می دهد تا همه را تحقیر و بدهکار خود کند و رویه وی چنان بود که در دوران سلطنتش ؛ خود ؛ بعنوان فرد اول حکومتی بود فرد دوم و سوم و حتی پنجاهم هم وجود نداشت و هر کس در هر پستی در حضور وی جرئت عرض اندام و ابراز وجود نداشت وی بارها مطالبی با مضمون زیر را گفته است که :

" یک وقت فردی می آید در رأس جامعه واقع می شود مثل محمد رضا پهلوی یک جامعه را به فساد می کشد . قشورهایی از این مملکت را همچو فاسد کرده همچو دزد بار آورده ... حالا وقتی که ما می خواهیم یک نفر سالم پیدا

کنیم باید دنبالش بگردیم " (صحیفه امام ج 7 ص 284) - اگر از صحت این گفته ها در مورد حواریون و مقلدینش بگذریم در مورد مردم ایران باید گفت : بی شرافتی و نمک شناسی آیت الله حد و مرزی ندارد ؛ ملتی در مبارزات ضد دیکتاتوری و آزادیخواهانه خود قیام کرده خون داده درگیر شده فدا کاری کرده به زندان رفته و شکنجه شده و از بد حادثه آیت الله را از بیغوله های نجف در آورده و بر خود حکمفرما کرده و اینک وی همه مردم را دزد می نامد و اظهار می کند که برای داشتن آدم سالم باید دنبالش بگردیم . قصد وی طلبکاری از مردم و تحقیر آنان است همان سیاستی که سی سال است بوسیله دادگاهها و حکام شرع و زندان ها بطور سیستماتیک اعمال می شود . آقای مطهری نیز این طلبکاری را بزبان دیگری مطرح کرد : " نگویید انقلاب برای ما چه کرد بگویید ما برای انقلاب چه کردیم " گویا انقلاب چیزی جز انهدام نظم کهن و ایجاد یک سازو کار بهتر و انسانی تر برای زندگی انسان هاست و با توجه به اینکه ولایت فقیه و روحانیون نه تنها نظم کهن را که بوسیله مردم سرنگون شد مجدداً باز سازی و بر پا کردند نه تنها لایق نام گرفتن انقلابی و صلاحیت استفاده از نام انقلاب را ندارند که از نظر تاریخی از رژیم شاه نیز ساز و کار مرتجعانه تری دارند و استفاده از این نام نیز همانند دیگر نام های دوران مدرن تنها منجر به استمحال و لجن کشیدن و تخریب فرهنگ دوران مدرن است . آیا برقراری یک نظام اجتماعی ماقبل تاریخ سزاوار نام انقلاب گرفتن دارد؟ وجود مبارک شیاد از قلب چه

چیزی حاضر است بگذرد؟ با توجه به شناختی که برخی از افراد از ذات حاکمیت دارند و البته خودشان هم خودشان را خوب می شناسند پاسخ اینستکه تا هستند چیزی از دست آنان در امان نخواهد بود .

بنظر ایشان انقلاب موجودی است (شاید خمینی و خود مطهری و امثالهم) که مردم باید همه زندگی و هستی شان را برای آنها بدهند ؛ و باید به ایشان گفت : در صورتیکه وجود نا مبارک خود را از زمانه خارج کنند مردم خود می دانند که چگونه با برقراری دموکراسی و مشارکت همگانی از طریق شوراهای مستقل مردمی و با برقراری رابطه متناسب میزان کار و بهره برداری ؛ یک زندگی انسانی برای خود فراهم می کنند . آیا مردم دزد بودند که به خمینی اعتماد کردند ؟ یا او دزد اعتماد مردم بود ؟ که پس از حاکم شدن شلاق بدست گرفت و سنگسار کرد آیا او دزد زندگی و جان و آزادی و استقلال مردم نبود ؟ او عمری را از قَبَل ؛ عشریه و وجوهات و غیرو از دسترنج مردم استفاده کرد بدون اینکه کاری کرده باشد ؟ و وقتی که حاکم شد تمام املاک این مملکت را طبق اصل ولایت فقیه مطلقه در اختیار گرفت و بنیاد ها و حساب های متعدد درست کرد و به مصادره و غارت زندگی ها تحت عناوین مختلف پرداخت و یک مشت مفت خور را در بهترین ویلاها و خانه و منازل ساکن کرد آیا او دزد اعتبار مردم ایران در جهان نبود ؟ آیا او از خود گذشتگی ؛ گذشت و اتحاد ؛ غرور و اتکاء بخود را در بین مردم خدشه دار نکرد ؟ آیا پاسداران او در زندان ها به دختران باکره قبل از اعدام تجاوز نکردند و دزد استقلال و غرور و شخصیت مردم نبودند ؟ .

در مقایسه شاه و خمینی می باست گفت که شاه در رأس یک نظام سرکوبگر هیچ فضایی را برای دموکراسی ؛ آزادی تشکل های مستقل ؛ مشارکت مردم در اداره امور اجتماع ؛ آزادی مطبوعات و زبان و قلم و اجتماعات قائل نبود و توسعه اقتصاد او توسعه همه جانبه نبود و از یک اقتصاد ملی نیز تبعیت نمی کرد و با برقراری یک نظام طبقاتی به استثمار کارگران و زحمتکشان پرداخت ؛ و همین فشارها و سرکوب ها باعث مشروعیت خمینی شد . اما خمینی غیر از داشتن ویژگی ها منفی فوق و حتی تشدید اقدامات سرکوب گرانه و استثمار ؛ ویژگی های دیگر نیز داشت که تخریب ؛ فنا و نابودی است . وی جنگ را نعمت شمرد به تخریب خانه ها مردم خوزستان و شهرها غرب کشور تبرک گفت و فقط فریاد مرگ و قتال و شکنجه را سر داد و آنها را اسباب رحمت شمرد . و به یک نسل کشی و قلع و قمع تاریخی اقدام کرد . شاه اگر اشخاص و گروهها به ساحت قدرت او وارد نمی شدند و برای خود ساز جداگانه ای داشتند کاری نداشت اما خمینی نابودی همه سازها و حضور در زیر پرچم خود را می خواست و بهمین لحاظ یک سره فریاد مرگ ؛ قتال و نابودی را سر داد غیر از نسل کشی جوانان و مخالفان فقاقت مطلقه ؛ کشته های جنگ را تبریک می گفت و تداوم کوره های آدم سوزی را تشویق می کرد و تا آن جا که قدرت داشت هدف نابودی خود را تحقق داد و بیشتر از این قدرت نداشت و اکنون بزرگترین درس برای ملت ایران و زحمتکشان این است که اعتماد خود را به پای فرد و یا جریان خاصی نریخته و فقط و فقط به خود ؛ نیرو خود و تشکل ها مستقل و شوراها خود متکی باشند و با تعامل و تساهل و بردباری نسبت به یکدیگر با یاد گرفتن و یاد دادن با شنیدن و سخن گفتن ؛ با عشق و کرامت انسانی برای همه مردم ؛ پایه های زندگی انسانی خود را بسازند و به هیچ کس چک سفید نداده و خود را به اسارت ؛ دست و پا بسته به زندان فقیه و جانشین خدا و

روحانی و جسمانی وشاه و رهبر نیندازند و از هم اکنون برنامه ریزی برای جاروب کردن بساط ننگین و ضد بشر این حاکمیت را ساماندهی کنند .

ج (روش های تهییجی

خمینی : " در این مجالس عزرا و سوگواری و نوحه سربیی ... اینطور ساخته جوانانی را که می روند در جبهه ها و شهادت را می خواهند و اگر شهادت نصیبشان نشود متأثر می شوند و آنطور مادرانی می سازد که جوان های خودشانرا از دست می دهند و باز می گویند باز هم یکی دوتا داریم (صحیفه امام ج 16 ص 346) خمینی که آخرین فرزند خانواده ها را نشانه گرفته تا در جنگ ارتجاعی و ضد بشری قربانی کند ؛ معلوم نیست چرا امثال مادر احمد خمینی ؛ خانواده آ سد علی ؛ رفسنجانی و کل آیت الله های ریز و درشت حاضر نشدند فرزندشان را به جبهه بفرستند و نوه ها و از اقوام خانواده نیز هیچکدام برای شهادت ساخته نشده بودند . - " ما هر روز شاهدیم که مادران شهدا ؛ کسانی که چند شهید داده اند فریاد می زنند که اگر باز هم داشتیم در راه خدا می دادیم و تأسف می خورند که دیگر فرزندی ندارند اجانب تبلیغ می کنند که در ایران بچه های کوچک را با زور به جبهه می فرستند در حالی که چنین نیست مردم می خواهند جلوی این جوان های چهارده پانزده ساله را بگیرند که به جبهه نروند ولی آنها از دست پدر و مادر فرار می کنند و به جبهه می روند " (صحیفه امام ج 17 صص 106-107) . " اینجانب هر وقت ؛ با یکی از این چهره ها روبرو می شوم و عشق ارزش ها دریان و چهره نورانی اش مشاهده می کنم و مناجات و راز و نیازهای این عاشقان خدا و فانیان راه حق را در آستانه هجوم به دشمن می نگرم که با مرگ دست به گریبان هستند و از شوق و عشق در پوست خود نمی گنجند خود را ملامت می کنم ... اکنون ملت ما دریافته است که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا " (صحیفه امام ج 16 ص 151) این عشق ارزش ها چرا در خانواده و نزدیک ترین های شما نبود آنهایی هم از مقلدین ولی فقیه که در جنگ تصادفا کشته شدند یا برای تبلیغ و تحریک دیگران برای شهادت رفته بودند و یا خبرنگار بودند و می خواستند اخبار سپاه اسلام را منتشر کنند این جوانهای بدبخت را که به اصطلاح مخشان را زده بودید و با کلید بهشت و خیمه شب بازی های آخوندی که امام زمان غائب در جبهه ها جلو جلو می رفته و راه را به دیگران نشان می داد که همان راه مرگ بود و جوانها به جنگ خانمانسوز ولی فقیه کشیده شدند و بدنشان تکه تکه و یا سوخته و سوراخ شده و یا دچار بیماری های مادام العمر شدند . این یاوه گوئی های امام امت که عشق ارزش ها در چهره نورانی دارند و مزحرفاتی است که نسل ها را به خاک سیاه کشانید .

چ (جاسوس پروری

خمینی از هر مقلد خود می خواهد که بصورت یک عنصر اطلاعاتی و جاسوسی عمل نماید در درون خانواده ها مادر و پدر ؛ فرزند را به نیرو های امنیتی معرفی کند و نیز فرزندان موظب و مراقب پدر و مادر باشند و از طرف دیگر همسایه یکدیگر را معرفی کنند " دانش آموزان عزیز با کمال دقت و بیطرفی اعمال و کردار دبیران و معلمین را زیر نظر بگیرند ؛ که اگر خدای نکرده در یکی از آنان انحرافی ببینند بلافاصله به مقامات مسئول گزارش نمایند و خود دبیران و معلمین با هشیاری مواظب همکاران خود باشند تا اگر بعضی از آنان خواستند افکار انحرافی خود را در خلال تدریس ... القاء کنند از آنان

جلوگیری نمایند در صورتیکه فایده ای نبخشید با قاطعیت مطلب را با مسئولان در میان بگذارند دبیران و معلمان و بطور کلی استادان سخت از دانش آموزان مواظبت نمایند تا گروهکهای چپی و منافقین آنان را فریب ندهند ... چنانچه ملاحظه کردند که بعضی از دشمنانشان ... می خواهند آنان را جذب گروه خود کنند به مقامات مسئول معرفی نمایند ... مادران و پدران منعهد از رفت و آمدهای فرزندانشان سخت مراقبت نمایند (صحیفه امام ج 17 صص 4-2) - امام امت به همه توصیه می کند که خانواده ها خود اعضایشان را تحویل دهند و از مادری که خود فرزند خویش را آورد و تحویل جنایتکاران داده همه پند بگیرند (صحیفه امام ج 15 صص 131)

ح) وعده ها

آیت الله برای نشستن در کرسی سلطنت و وعده های بسیار به مردم داد و خواسته های بنیادین مردم توسط

راهنماهای آیت الله فرموله و به وی داده می شد تا وی با زبان خود مردم را بفریبد

آیت الله خمینی: "ساواک لازم نیست فشار نخواهد بود حکومت اسلامی مبنی بر حقوق بشر و ملاحظه آنست هیچ سازمان و حکومتی به اندازه اسلام ملاحظه حقوق بشر را نکرده است آزادی و دموکراسی به تمام معنی در حکومت اسلامی است شخص اول حکومت اسلامی با آخرین فرد مساوی است ... برنامه مستقل مبنی بر عدالت؛ دموکراسی و قانون اساسی [داریم] (صحیفه امام ج 5 صص 71-70) - " در جمهوری اسلامی هرگز فاصله طبقاتی بدین صورت نخواهد بود و تقریباً همه در یک سطح زندگی می کنند " (صحیفه امام ج 5 صص 293) -

اگر نگوییم که آیت الله جمله پردازی و فریبکاری کرده است - که کرده است - جزاین نخواهد بود که قضاوت کنیم که از درک مفاهیم فوق عاجز بوده و از دانش و ابزار پیاده سازی؛ الزامات آنها؛ زیر ساخت ها و پیش نیازها و هماهنگی نظام حقوقی؛ سیاسی؛ قضایی؛ سازمانی و حزبی آن سرسوزنی اطلاع نداشته است؛ عقب مانده ترین آدم های این عصر هم می دانند که این دستاوردها نیاز به نظام های شورایی؛ تصمیم گیری مشارکتی و جمعی مردم؛ عدم تقدس مالکیت؛ زدودن افکار فئودالی؛ اجرای قانون هر کس به اندازه کارش در مرحله اول اجتماعی و ... میباشد و با اظهار اینکه وضع قانون تنها در اختیار خداست و مردم هیچ گونه حقی ندارند و قوانین صادر شده ازلی و ابدی هستند جهنم امروز ایران بوجود می آید. می فرمایند " ما موافق رژیم آزادی های کامل هستیم ... ما طبیعتاً نسبت به عقاید مذهبی دیگران بیشترین احترام را پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد می گذاریم (سخنرانی 57/7/22) -

اظهارات آیت الله در مورد آزادی های آینده؛ دو پهلو؛ و با ظاهری فریبکارانه؛ اما در اصل و پایه خشن؛ سرکوبگر و انحصار گرایانه است و این شیوه که در ماهیت طبقاتی دغل کاری روحانیت که از قبل و دسترنج مردم زندگی کند و به آنان حکمروائی و سروری می کند و آنگاه بخاطر مظلومیت حسین در صحرای کربلا نیز آنان را به شیون و فغان می اندازد؛ وقتی این خمیر مایه با رهنمود های امثال دکتر یزدی ها و امثالهم برای حفظ ظاهر همراه شد دیگر ملقمه ای بسیار تو در تو و پیچیده ظاهر می شود که فقط شیطان می تواند چنین شعبده بازی راه بیندازد .

سؤال خبرنگار: "در مورد آزادی بیان و عقیده شما چه حدودی دارید؟ جواب "اگر مضر بحال ملت نباشد؛ بیان همه چیز آزاد است چیزهایی آزاد نیست که مضر بحال ملت باشد" در اینجا منظور آیت الله اسلام است؛ وقتی جبهه ملی و

یا دیگر احزاب در مورد قصاص اعلام کردند که ضد بشری است آیت الله فرمود که جبهه ملی از این ببعد مرتد است و یا در اینجا منظور آیت الله از ملت می توان ملت حزب الله و ملت ولایت فقیه را ذکر کرد ؛ زیرا ملت اساسا در مورد خود قدرت تشخیص و تصمیم گیری ندارد که بداند چه چیزی بحالش مضر و یا مفید است . سؤال خبرنگار : آیا فکر می کنید که گروههای چپ و مارکسیست که در ایران هستند آزادانه فعالیت خواهند کرد ؟ جواب " اگر مضر به حالت ملت باشد جلوگیری می شود ؛ اگر نباشد و فقط اظهار عقیده باشد مانعی ندارد .. همه مردم آزادند مگر حزبی که مخالفت با مصلحت مملکت باشد " (صحیفه امام ج 5 ص 520) - " من بنا ندارم که خودم یا اشخاصی که حالا در پیش من هستند از روحانیون ؛ جانشین رژیم شوند " (صحیفه امام ج 5 ص 308) - "رژیم بدون رضایت مردم هیچ اساس ندارد " (صحیفه امام ج 5 ص 31) - " ما امیدواریم که ایران اولین کشوری باشد که کوچکترین فرد ایرانی بتواند آزادانه و بدون وجود کمترین خطر به بالاترین مقام حکومتی انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد " (صحیفه امام ج 5 ص 499) - " من چنین چیزی نگفته ام که روحانیون متکفل حکومت خواهند شد روحانیون شغلشان چیز دیگری است نظارت بر قوانین البته بعهدہ روحانیون است " (صحیفه امام ج 5 ص 482) - " شما اگر حکومت اسلامی را ببینید خواهید دید که دیکتاتوری در اسلام اصلا وجود ندارد " (صحیفه امام ج 5 ص 532) - علما خود حکومت نخواهند کرد آنان ناظر به مجریان امور می باشند انی حکومت در همه مراتب خود متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود (صحیفه امام ج 4 ص 160) - " تا بر پا کردن حکومت عدل گستر اسلامی دست از مبارزه بر نمی داریم تا حکومت دموکراسی به معنی واقعی جایگزین دیکتاتوری ها و خونریزی ها شود " [البته خونریزی های صد برابر وحشیانه تر آیت الله را نباید خونریزی قلمداد کرد زیرا قتال ؛ نعمت است] (صحیفه امام ج 3 ص 379) " مارکسیست ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود ... هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند (صحیفه امام ج 3 ص 371)

خ (عقاید خرافی

آیت الله خمینی : " کسی که غیبت می کند ... زبانش به اندازه بین مکه و مدینه دراز میشود و مردم در روز محشر از روی این زبان عبور می کنند (صحیفه نور ج 17 ص 185) ؛ بنظر ایشان اخلاق مطلقا جنبه فردی دارد و ربطی به شرایط و ساختار اقتصادی - اجتماعی ؛ ندارد و لذا قصاص نیز که فردی است ؛ با اجرای آن ریشه تخلفات از بین می رود ؛ امری که نتیجه معکوس گرفتند .

" فلسفه عزاداری برای سید شهداء : یکی از حرفهای که رایج بود می گفتند " ملت گریه " برای اینکه مجالس روضه خوانی را از دستشان بگیرند .. ائمه ما هر کسی که بگیرد ؛ بگیراند ؛ یا صورت گریه کردن بخودش بگیرد اجرش فلان و فلان است .. امروز ما به مجلس تعزیه و روضه بیشتر احتیاج داریم (صحیفه امام جلد 13 ص 322) - انقلاب کار جنود خداست (صحیفه امام جلد 13 ص 322) - حضرت باقر سلام الله وقتی که می خواستند فوت کنند وصیت کردند که ده سال در منی اجیر کنند کسی را که برای من گریه کنند اصرار کردند به اینکه مجتمع داشته باشید گریه کنید ؛ برای اینکه این حفظ می کند کیان مذهب ما را همان سینه زنی همان نوحه خوانی همان ها رمز پیروزی ماست ... همه روضه بخوانند همه گریه بکنند ... این بزرگترین امر سیاسی است .. گول شیاطین را که می خواهند این حربه را از دست شما بگیرند نخورند ... تکلیف آقایان

است روضه بخوانند .. اما دسته ها بیرون بیایند سینه بزنند (صحیفه امام جلد 11 صص 97-100) - " یک بز کچل یک ملت را کچل کرده است یک آدم صالح ؛ یک انسان ؛ یک مملکت را به سلامت می کشد (صحیفه امام ج 5 ص 324) - برطبق علوم جدید اینکه ساختارهای اقتصادی - اجتماعی ؛ نهادها ؛ سازمان ها در تمامی عرصه های سیاسی ؛ اقتصادی و فرهنگی ؛ فرهنگ اجتماعی و دانش انباشته شده و زیر ساخت های اقتصادی؛ نوع حکومت و میزان مشارکت مردم ؛ تشکل ها ؛ هر کدام در توسعه یک کشور نقش دارند همه با تز آیت الله بکناری می روند : یک نفر آدم صالح - حتما" هم از زمره خودشان - در رأس کار گذاشته شود همه مسائل جامعه حل می شود ؛ همانطور که امروزه در ایران شده است .؟ اگر حل نشده معلوم می شود که خودش هم یک بز کچل است که هست

" اصرارشان بر اینست که دانشگاه باز شود ؛ می گویند متخصص نداریم اینها [روحانیون] مخالف علمند کی بیشتر از قرآن از علوم صحبت کرده است ؟ " (صحیفه امام جلد 14 ص 499) - " تمام چیزهایی که بشر به آن مبتلاست ... بلکه کارهایی هم که از غیب به ما وارد می شود چه بسا این همه زلزله ها و سیل ها و طوفان ها برای این باشد که خودمان را اصلاح نکرده باشیم " (صحیفه امام جلد 14 ص 204) - " کسی که گریه کند یا بگریاند با بصورت گریه دار خودش را بکند این جزایش بهشت است " (صحیفه امام جلد 10 ص 314) - " روحانی اگر درست شد همه چیز درست می شود و اگر - خدای نخواست - فاسد شد فسادالعالم " اما باید این سؤال را از آیت الله کرد که مگر یک آخوند و بنیاد گرا بر مبنای روحانی بودن خود غیر عتصر فساد چیزی دیگری هست ؟ و آیا همین فساد عامل فساد امروزی جامعه ایران نیست ؟

18- حذف ؛ ترور و قلع و قمع بمتابه تنها رویکرد

خمینی : " هر کس که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد منکر ضرورت اجرای احکام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است (آیت الله خمینی ولایت فقیه ص 31) و انکار احکام و جاودانگی آن در شرع انور مرگ است

در مورد یک برنامه تلویزیونی که در خصوص بحث " الگوی زن امروزی " در یک گفتگوی تلفنی مصاحبه شونده الگوی زن را الگویی زن شاخص و معاصر ذکر کرد ؛ بلافاصله خمینی حکمی صادر کرد که فردی که این گفتگو را پخش کرده تعزیر و اخراج گردد و دست اندرکاران تعزیر شوند و اگر قصدی در کار بوده **بلاشک فرد مصاحبه شونده اعدام**

شود و در صورت تکرار همه مسئولین صدا و سیما توبیخ و به مجازات خواهند رسید . " (صحیفه امام ص 251 ج 20) آیت الله خمینی ؛ سلمان رشدی نویسنده انگلیسی هندی الاصل را که قبلا در ایران حضور یافته بود و جایزه ادبی دریافت کرده بود به بهانه نوشتن یک کتاب رمان که ظاهرا توهین به پیغمبر اسلام بود و را به ارتداد و قتل محکوم کرد و برای کشتنش در سطح بین الملل جایزه هنگفتی تعیین کرد . و ترور در مقابل نقد دین مبین را در سراسر عالم برنمی تافت و با ترور و اعدام پاسخ می داد .

جبهه ملی طی اطلاعیه با تصویب احکام قصاص ؛ آنرا بدرستی غیر انسانی نامید و فراخوان راهپیمایی داد آیت الله خمینی سخنرانی (60/3/25) ضمن محکوم کردن جبهه ملی آنرا مرتد اعلام کرد " جبهه ملی دعوت به راهپیمایی بر علیه لایحه قصاص داده .. تعبیر این بود که " لایحه غیر انسانی " [است] ملت مسلمان را دعوت می کند که در مقابل لایحه

قصاص راهپیمایی کنند یعنی چه؟ یعنی در مقابل نص قرآن کریم راهپیمایی کنند... لایحه قصاص همین مسائل قرآن است.. دعوت کرده اند که مردم قیام کنند در مقابل قرآن! قیام کنند در مقابل احکام ضروریه اسلام لکن من کار دارم با آ»هایی که پیوند کرده اند با این جبهه پیوند کرده اند با منافقین... اینکه کسی بگوید حکم خدا "غیر انسانی" است این کافر است.. جدا کنید حساب را از مرتدها؛ اینها مرتدند جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است (صحیفه امام صص 448-464) - "اعدام هایی که در اسلام هست اعدام های رحمت است" (مجموعه آثار ج 8 ص 332) - "اگر عده ای شعاری غیر از اسلام دادند؛ یا مغرضند؛ که اگر مأمور خود رژیم ایران نباشند از قدرت های خارجی دستور می گیرند و یا اینکه اسلام را نشناخته اند" [توضیح المسائل مراجع آیات را مطالعه نکرده و از حدود شرعی آگاهی ندارند] و این عده را ما معتقدیم با پیاده شدن اسلام به آغوش آن باز می گردند" (مجموعه آثار ج 5 ص 232 آیت الله خمینی "اگر شمشیر برای خدا بلند بشود و برای خدا پایین بیاید این انگیزه؛ انگیزه الهی است... ارزشمند است (مجموعه آثار ج 20 ص 202) - "این آشوبی که الان وارد می شود جلوگیری کنید... اینها آمده اند با یک صورت ملی... عمده ای هستند برای غیر و این تظاهراتی که شنیده ام... شما بدانید که این تظاهرکنندگان از تئمه همان رژیم فاسد است در صورت ملی [بصورت] سر قبر مرحوم دکتر مصدق برو و این کارها که حالا یک صورت دیگری پیدا کرده اند بصورت مثلا روشنفکری... منطقی ندارند.. منزل های مردم را غارت می کنند" (مجموعه آثار ج 6 صص 165 و 162) - مرجع تقلید و ولی فقیه تظاهر کنندگان جبهه ملی را بر علیه قصاص در سطح مملکتی تئمه رژیم فاسد می نامند و متهم به غارت خانه های مردم می کند در سطح جامعه و جلوی چشمان همگان اینچنین تهمت و افترای نا مربوط و نا جوانمردانه می زند حال باید متوجه بود که در زندان ها و شکنجه گاهها و خارج از دید مردم؛ جماعتی هار و وحشی در بی قانونی مطلق و بدون آزادی چگونه با زندانیان مبارز برخورد میکنند. "آنها که با اسم ملیت و خلق دوستی خنجر از پشت به ملت می زنند بیدار شوند.. اگر نصیحت گوش نکنند کاری دیگر می شوند.. این ها توطئه گر هستند ما ساکت نمی نشینیم... ملت ما دیگر نخواهد پذیرفت خیانت ها را" (مجموعه آثار ج 6 ص 364) - "این ها عمال آمریکا هستند بصورت چپ گرایی... این ها میخواهند مخازن ما را باز به آمریکا بدهند" (مجموعه آثار ج 6 ص 435) - آیت الله در مورد سازمان مجاهدین خلق اظهار نمود "یک عده مأمورند از طرف خارجی ها - و من بیشتر احتمال می دهم آمریکایی باشند... خود آنها با آیت الله طالقانی مخالفند هر روزی که دستشان برسد سراو را می برند" (مجموعه آثار ج 7 ص 40) - وی در جلد 6 ص 495 صحیفه امام سازمان فدائیان خلق ایران را متهم به آمریکایی بودن می کند و باز می گوید اینها که می خواهند بین کارگر و کشاورز تفرقه بیندازند مفسد فی الارض هستند (صحیفه نور ج 7 ص 144) - "اما ما؛ اشتباهی که ما کردیم این بود که بطور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم به این قشر های فاسد... اگر از اول که ما رژیم فاسد را شکستیم بطور انقلابی عمل کرده بودیم قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مردم فاسد را تعطیل کرده بودیم و رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم" (مجموعه آثار ج 9 صص 282 و 281) - کسانی که در آن شرایط حضور داشتند بخوبی آگاهند که این عر و تیز های آیت الله بی پایه است ماههای نخست در شرایط انقلابی جامعه آیت الله جرأت کوچکترین اقدامی نداشت زیرا هنوز ماشین

سرکوب خود را سازمان نداده بود و مردم بطور مستقیم ناظر بودند و در تنها پس از فضای اشغال سفارت و جنگ و فریب مردم توانست شرایط را قطبی کرده و به سرکوبی نیروهای مخالف اسلام فقاهتی پردازد .

تمامی اهالی یکی از روستاهای کردستان بنام قارنا توسط سپاه جهل و سرمایه و چپاولگر ثروت ملی ولی فقیه بجهت همکاری با نیروهای مبارز کرد قتل عام شدند و بازماندگان به حضور خمینی رفته و شکایت داشتند پاسخ وی جالب است " کشتار کنندگان جزء اشخاصی که مربوط به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی باشند نبوده چون آدمکش نمی شوند - آقای خلخاللی هم تأیید کرده و قول دستگیری و جبران داده " (مجموعه آثار ج 9 ص 424) - شاهد و گواه ولی فقیه مبنی بر اینکه سپاه وی کشتار نکرده ؛ میرغضب و جلاد خون آشامش خلخاللی می باشد " و خمینی بعد استدلال م کند : " اگر نیرو انتظام دست به قتل عام زده است ؛ چرا مردم شریف پاره و سندنج و سایر نقاط از آنان استقبال نموده و آنها را گلباران می کنند و از جمهور اسلامی پشتیبان می کنند ... امید است ... نیرو انتظام اشرار را قلع و قمع نموده ... " (صحیفه نور ج 9 ص 323) - حمایت مردم مبارز و بزرگ کردستان از نظام ولایت فقیه و استقبال و گلباران نمودن نیرو انتظام از دروغ ها مطلق است که اظهارات آن فقط از ناحیه مرجع بزرگ شیعه و ول فقیه و نایب امام زمان - بزعیم خود - ساخته است و بهمان اندازه که این القاب دروغ و پوچ اند اظهارات که از این ذات و القاب دروغ بیرون م آیند نیز فریبکا رانه هستند و اگر چتر سرکوب نیروی انتظام در کردستان فقط یک ساعت برداشته شود شاید دیگر پا نیروها ولی فقیه به آنجا نرسد .

خمینی " شما اسلام را به مردم بگویید ... شما سوره برائت را برای مردم چرا نمی خوانید [شدید ترین آیات در مورد کشتار مخالفان در این سوره آمده می گوید همه آنها را بکشید تا فتنه ای باقی نماند] شما آیات قتال را چرا نمی خوانید ؟ هی آیات رحمت را می خوانید در آن قتال هم رحمت است برای اینکه می خواهد آدم درست کند آدم گاهی درست نمی شود فرض گاهی نمی شود الا بالکی [داغ کردن] باید ببرند داغ کنند تا درست بشود جامعه باید آنهايي که فاسد هستند از آن بیرون ریخته شوند " (مجموعه آثار ج 19 صص 138-139) - در هفت سال حضور در زندان به عینه متوجه شدم که روش داغ کردن را بازجوها و شکنجه گران با توجه به مجوز امام امت بهتر از هر جلاد دیگر می دانستند چگونه استفاده کنند تا همه به راه راست هدایت شوند .

"تنها یک دارالاسلام هست و آن همان است که دولتی اسلامی در آن برپا است و شریعت خدا بر آن حاکم است و حدود خدا اقامه می شود و جز این هر چه هست دارالحرب است و رابطه مسلمانان با آن یا جنگ و پیکار است یا صلح بر مبنای پیمان امان (معالم فی الطریق الاتحاد اسلامی العالمی لمنظیلمات الکلابیه ص 135)

از بین بردن اعتبار ؛ شخصیت ؛ هویت و محبوبیت احزاب و اشخاص و مطیع و تسلیم کردن آنان و پذیرش ولایت فقیه در اولویت اهداف اسلام سیاسی فقاهتی قرار دارد و نصیحت پدران و مدارا نیز برای تحقق این امر صورت می گیرد در غیر اینصورت قتال ؛ محارب و ... در پیش خواهد بود .

آیت الله خمینی : " کسی گمان نکند که دیگر بعضی از قشرهای فاسد ؛ بعضی از این چپ روهای آمریکایی یا غیر آمریکایی بتوانند در این مملکت اظهار وجود کنند آن روز که ما بخواهیم و ملت ما بخواهند در ظرف چند ساعت تمام آنها را به زباله دان های فنا ریخته خواهند شد اسلام و تعالیم قرآن بر همه ممالک باید غلبه کند دین باید دین الهی باشد (مجموعه آثار ج 9

ص 278) - " باید با افراد شرور و ضد انقلابی برخورد شود و آقای هاشمی رفسنجانی؛ جزایری امام جمعه و نخست وزیر (میر حسین موسوی) معتقدند که برخورد نمی تواند سیر طبیعی و قانونی خود را بنماید بلکه باید سریعاً اقدام گردد و هیأتی مرکب از استاندار؛ اطلاعات و دادستان و یا نمایندگان در آن استان اجازه داده شود تا به هر نحو که می دانند با دشمنان خدا برخورد نماید (مجموعه آثار ج 19 ص 425) - " در این آخر که قضیه زندان اوین پیش آمد و شکایاتی از آقای لاجوردی [رئیس زندان] می شد و مخالفت هایی می شد [غیر] از احمد کسی را ندیدم که بیشتر از آقای لاجوردی طرفداری کند و دفاع نماید و وجود او را برای زندان اوین لازم و برکناری او را تقریباً " فاجعه می دانست " (مجموعه آثار ج 17 ص 92) ؛ و حشی گری های لاجوردی این مقلد مخلص ولی فقیه و این از بزرگترین جلادان و قصابان قرن که از شدت افراط حتی باعث نارضایتی حتی سران کشتار و سرکوب را ایجاد کرده ولی ولی فقیه از زبان احمد متحد خود منویات خود را ابراز می نماید و نارضایتی های درون حکومتی را ساکت می نماید . آقای لاجوردی جلاد قرن از مقلدین راستین مرجع تقلید است . وقتی آیت الله خمینی می گفت " قاضی باید با شدت توجه بکند به مواضع و قضایا؛ قاضی باید ... قسی القلب باشد تحت تأثیر واقع نشود " (مجموعه آثار ج 13 ص 115) وی آنرا آویزه گوش خود می کرد .

" و اجرای قصاص و حدود شرعیه که از واجبات بوده و می بایست بر علیه انسان که "ظلم و جهول" - بزعم آیت الله- است اجرا شود و بنظر آیت الله جرم یک امر اجتماعی نبوده و با نظام و ساختار اقتصادی و اجتماعی رابطه ای ندارد بلکه امری فردی و می بایست بصور انتقام جویانه و کینه توزانه پاسخ داده شود

" اسلام در مقابل ظلمه ایستاده است [ظالم کسی که خواهان اجرای احکام شرعیه نباشد] حکم به قتل داده ؛ حکم به کشتن داده است و در مقابل کفار و در مقابل متجاسرین و کسانیکه [طاغی] هستند احکام دارد حکم به قتل داده ؛ حکم به جهاد به اینهاست " (مجموعه آثار ج 3 ص 228)

با تئوریزه کردن حذف کلیه احزاب و شخصیت های منتقد به ولی فقیه و قصاص و حدود شرعی و بی حقوقی با ایدئولوژی بنیاد گرایی توسط شخص خمینی و در راستای این سیاستها دهها هزار نفر از جوانان و مبارزان اعدام و یا به بدترین وجهی شکنجه و نابود شدند بطوریکه هواداران مبتدی و نوجوان نیز در معرض اعدام و شکنجه قرار گرفتند و محور تمرکز رژیم در ضربات ؛ شخصیت ؛ استقلال فکری و اندیشه و غرور و منیت (اتکاء به نفس) انسان ها بود و کینه توزی ؛ قصاص ؛ انتقام کشی در دستور کار رژیم قرار داشت و چه بسا عده کثیری که طرفدار هیچ گروه و حزب و سازمانی نبودند اما بجهت شخصیت مستقل شان فاصله خود را از حزب الله و ولایت فقیه حفظ می کردند ؛ آنها هم به جوخه های اعدام سپرده شدند . که نمونه و اسامی ؛ سوابق و وابستگی فکری و خانوادگی آنها ثبت است . و این سیاست و رویه جزو ذاتی و سرشت بنیاد گرایان است و فرموله کردن آن امروزه توسط آ س د علی آقا ؛ مصباح یزدی و دیگر آیت الله های ریز و درشت انجام می شود و قتل های زنجیره ای و تداوم حذف مخالفان در برنامه روزمره آنان قرار دارد و منویات توسط محمود احمدی نژاد این عامل جان دست اندرکار قتل ها زنجیره ای که حداقل در پرونده قتل دکتر کاظم سامی از جاما نامش در ج شد ؛ اما پرونده توسط حاکمیت پرونده مخومه شد و دستگاه ترور توسط خامنه ای و رفسنجانی و بقیه حکومت گران ریز و درشت ساماندهی دارای یک سازمان مخوف و جنایتکارانه است . وقتی امام

امت ؛ نماینده خدا ؛ ولی فقیه و مرجع تقلید بطور علنی تا محدوده های نهضت آزادی را مرتد و عمال آمریکا و خائن می نامد دیگر باید دانست که در درون زندانها چه جهنمی بر پاست 150 نفر در یک تظاهرات [بنا به ادعای حزب الله تظاهرات مسلحانه در تهران دستگیر شدند] و همانروز 57 نفر آنها به جوخه های اعدام سپرده شدند (روزنامه جمهوری اسلامی 60/7/7). با توجه به ساعت دستگیری ؛ و زمان مورد نیاز برای انتقال به مراکز انتظامی و سپس انتقال به زندان اوین ؛ و اعدام که کلا کمتر از 4 یا 5 ساعت بطول کشیده و واضح است حتی فرصت بردن این افراد به دادگاه و برگشت آنها وجود نداشته و پس از دستگیری بلافاصله اعدام شده اند با جان بهترین فرزندان این مرز و بوم اینگونه رفتار شده است . دادگاه ها بدون هیأت منصفه ؛ بدون وکیل ؛ بدون ناظر و حضور خانواده ؛ بدون امکان دفاع متهم ؛ بدون مطبوعات آزاد ؛ بدون آزادی بیان ؛ تجمع و اعتراض ؛ بازرس و قاضی بوده و اگر حامی و حتی وکیلی اقدام به پیگیری می نمود ؛ خود بعنوان مجرم و مرتد در برابر جوخه اعدام قرار می گرفت . و البته امام عادل ؛ نایب بر حق امام زمان ؛ ولی فقیه ؛ مرجع عالیقدر جهان تشیع و جانشین ائمه اطهار با صورت روحانی و عرفانی در رأس قدرت بوده پس نمی باید جنایتی اتفاق افتاده باشد . واقعا قهارترین دشمنان در سده های اخیر چنین نه با هموطنان و دیگر انسان ها و نه حتی در میدان جنگ و اشغال چنین رفتار نمی کنند . و سران رزیم باید در دادگاههای صالحه بجرم نسل کشی محاکمه شوند تا دیگر مثنی وحشی در جهان کنونی بخود جرأت نه عمل بلکه حتی تصور اینچنین اعمال ننگینی بخود راه ندهند

19- طرح کلی روند طی شده

حکومت بنیادگرایی روحانیت در ریشه و ذات خود با نفی دنیای مدرن ؛ با نفی انسان آزاد و خود مختار ؛ با نفی تکثر اندیشه و فکر و توانایی کسب علم و قانونمندی تاریخ و جامعه و کلیه پدیده های اجتماعی و انسانی ؛ نفی علم اقتصاد و جامعه شناسی ؛ همه پدیده ها را ناشی از خارج از ابعاد انسانی و از طرف خدا می داند و چون وجود مدرنیته بمعنی نفی مبانی بنیاد گرایی و دنیای کهن است ؛ لذا بنیاد گرایان خواهان خشکیدن ریشه های مدرنیته ؛ تفکر فلسفی انسان آزاد و آزاد زنان و آزاد مردان این دوران می باشند (خمینی از کلمه آزاد زنان و آزاد مردان بشدت متنفر بود و در دهها گفته خود آنها را به تمسخر و ریشخند کشید) ؛ با توجه به اینکه شخصیت ها ؛ انسان ها ؛ سازمانها و احزابی که وارد فاز و تفکر مدرنیته هستند امکان بازگشت به گذشته بنیاد گرایی را ندارند پس تنها راه حل برای آیات عظام و حجج اسلام نابودی این افراد است ؛ و رویکرد ترور و حذف همواره اصلی ترین سلاح دم دست بنیاد گرایی است و لذا در قبل از انقلاب 57 بصورت تک موردی (احمد کسروی رادمرد و دانشمند تاریخ و جامعه شناسی که نظریات اقتصادیش در چهارچوب عدالت اجتماعی و سوسیالیسم قرار دارد . همچنین ترور میارز بزرگ دکتر فاطمی وزیر خارجه دکتر مصدق و توسط فدائیان اسلام و با فتوای زعیم عالیقدر و پس از انقلاب بصورت سازمان یافته و گسترده در دستور کار قرار گرفت .

اگر کسی به شورای نگهبان بگوید کذا ؛ مفسد فی الارض است اگر کسی قصاص را منکر شود مرتد است و یا به فرمایش خمینی : " آنکه مکتبی را مسخره می کند اسلام را مسخره می کند و اگر متعمد باشد " مکتبی را مسخره کند

مرتد فطری است و زنش بر وی حرام است و مالش هم باید به ورثه داده شود خودش مقتول باشد" (صحیفه امام ج 14 ص 376)؛ برای حفظ منافع طبقاتی و صنفی مرجعیت عالیقدر چه میزان مردم می بایست قربانی شوند؟

تشکیک در هر سطح حتی اجرایی و سیاسی مستحق حذف و نابودی است حال اگر نسبت به اصول و فلسفه دین؛ نظری غیر از ولی فقیه داشته باشد و یک نوع دین دموکراتیک و یا فلسفه نوینی ارائه دهد دیگر نیاز به محاکمه هم ندارد و اگر در خیابان توسط آدمکشی به قتل برسد و در دادگاه ثابت شود که نسبت به شریعت و یا روحانیت نقد داشته و یا مثلاً مکتبی را مسخره نموده خونس مباح است. از نظر آیت الله ها قلم و آزادی بیان بمراتب و صدها بدتر از چماق و بمب است و تکلفیش معلوم است و در همین راستا دهها هزار نفر از بهترین جوانان و شخصیت های این مرز و بوم دسته دسته به جوخه های اعدام سپرده شدند و برخی که باقی ماندند از نظر وی می بایست نسبت به گذشته خود توبه کنند و به دامن شریعت ولایت فقیه برگردند و فقط یک حزب و آنهم حزب الله و فقط یک رنگ آنهم رنگ روح الله می گرفتند و در شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه مشارکت کنند امری که از عهده یک انسان عاقل و فهیم و از شخصیت انسانی و از زحمتکشان آگاه و از فرهنگ ایرانی خارج است یعنی افراد یا مرگ را می بایست پذیرا می شدند و یا عضویت در حزب الله. آیت الله نه تنها از اعدام دسته دسته انسان های شریف و آزاده کمترین اندوهی بخود راه نمی داد بلکه آنرا برای اعتلاء اسلام ضروری می دانست و این در حالی است که آنها خودی نبودند و برای کشته شدگان دوران انقلاب و حتی جنگ نیز ابرو خم نکرد. به دلیل روحانی و عرفانی بودن امام که در فلسفه اسلام فقیه بود؛ مخالفان اسلام سیاسی و مخالفان دیکتاتوری ولی فقیه جزو انسان و بشر محسوب نمی شوند و باید سر به نیست شوند و شهدای جنگ هم برای اعتلاء اسلام ضروری است و جنگ و نابودی شهرها و تأسیسات و زیر ساخت ها و آوارگی و فقر هم انسان را از خمودگی بیرون می آورد؛ تبعیض هم از برای مؤمنین و خودی ها امری طبیعی و ناامنی؛ غارت؛ چپاول؛ فساد اداری؛ اعتیاد؛ بزه و فحشاء نه مرتبط با ساختار و نظام اقتصادی و اجتماعی بلکه با طینت شرور آدم ها سر و کار دارد و باید قصاص؛ حد و تعزیر بطور فردی شوند؛ بگفته ایشان اگر دست چهار دزد قطع شود دزدی کالا" ریشه کن خواهد شد و از این گذشته اگر مردم دچار جرائم شوند و مجازات شوند این نظام و سیستم سرکوب مداوم حکومتی را به رخ بقیه خواهد کشید و آنگاه جرأت اظهار وجود و شخصیت مستقل نخواهند کرد و اگر کسی اظهار نماید این قصاص غیر انسانی است و برای بزهکاری باید به سراغ ریشه های اجتماعی و اقتصادی جامعه رفت خود وی نیز مرتد و مستحق مرگ است

در جریان سرکوب سازمان ها؛ احزاب؛ جمعیت ها؛ تشکل های مردمی و مستقل که ابتدا از قول رئیس جمهور وقت بنی صدر در سال 59 بیان شد "شورا پورا مالیده" و پس از انحلال شوراها؛ سرکوب سازمان چریک های فدائی خلق ایران؛ جبهه دموکراتیک ملی؛ در دستور کار قرار گرفت و آنگاه نوبت به سازمان مجاهدین خلق ایران رسید و سازمان مذکور که علی رغم دادن تلفات بسیار تا قبل از سال 1360 صبر و طمأنینه را پیشه کرده بود وقتی شمشیر سرکوب را در بالای سر خود دید دست به مقاومت مسلحانه زد و تقریباً 200 نفر از عناصر بالا و بدنه حکومتی را ترور کرد و این امر هر چند لطماتی به رژیم زد اما با توجه به اینکه حیات رژیم در خون؛ هیجانات؛ احساسات؛ روضه خوانی و مداحی؛ تهییج و تشییع می باشد با توجه به ظرفیت سرکوب؛ شکنجه های وحشیانه؛ اعدام؛ و بی حقوقی که رژیم ولایت فقیه

در مورد مخالفینش روا می‌دارد نه تنها سازمان مجاهدین بلکه دیگر سازمان های سیاسی که اصولا مبارزه مسلحانه را قبول نداشتند و حتی افراد مستقل و آگاه و نیز لیبرال ها که درگیری در برنامه شان نبود ضربات بسیار سنگینی خوردند بطوریکه بازماندگان از ترور و زندان مجبور به عزیمت به خارج از کشور شدند . یعنی رژیم از فرصت بدست آمده در جهت ریشه کن کردن هر آنچه غیر خودی بود اقدام کرد تا خیال خودش را برای همیشه راحت کند . حتی مهندس بازرگان و مهندس سبحانی که از مقامات بالای حکومت در ابتدا بودند ؛ ربوده و اعدام نمایشی شدند . البته در هر صورت رژیم برنامه تصفیه کلیه جریانات غیر خودی را دستور قرار داشت و برای رسیدن موعد آن لحظه شماری می کرد و منتظر بسیج و سازماندهی نیروهای خود بود که با جنگ این فرصت را در اختیار گرفت .

. امام جام زهر را برای ویران شدن ایران و ششصد هزار کشته جنگی سر نکشید که قبلا بکرات ایشان و دیگر سران حکومتی گفته بودند برای اعتلاء اسلام مفید است ؛ جام زهر تنها برای آن بود که اگر می خواست تا اسلامی شدن عراق جنگ را ادامه دهد حکومت خودش در خطر سقوط قرار می گرفت . با ناتوانی نیروهای نظامی در جنگ با عراق ؛ خروج نیروها ولی فقیه از شهرها و قلمرو های اشغال شده در خاک عراق ؛ نیروهای عراق نیز بعلت فرسودگی ؛ مجددا قادر به ورود به خاک ایران نبودند چنانچه یکبار هم تجربه شکست را داشتند اما آنچه که نظام ولی فقیه را زیاد نگران می کرد در صورت تداوم و تضعیف نیروهایش امکان آزاد شدن شهرها از زیر حاکمیت ولی فقیه توسط نیروهای مردمی و زحمتکشانش از نظام جنگ و خونریزی و کشتار و فقر و بی خانمانی به تنگ آمده بودند ؛ نیروهای مبارز ؛ نیروهای نظامی سازمان مجاهدین خلق و نیروهای مبارز کردستان وجود داشت بطوریکه در ماههای آخر جنگ برخی شهر ها از حاکمیت رژیم خارج و آزاد می گردید . اگر امکان سقوط را استثنا کنیم تمام ارکان حکومتی بارها گفته بودند که اگر این جنگ 20 سال هم طول بکشد ما ایستاده ایم و پس از این جنگ ؛ جنگ های سهمگین تری در راه است و مردم باید خود را آماده کنند . باری به جهت شکست در صدور انقلاب و اسلامی شدن کشور عراق ؛ جام زهر را سر کشید و برای فرو کش کردن عطش زهر ؛ حدود پنج هزار زندانی را که برخی مدت محکومیتشان به سر رسیده بود و برخی نیز در انتظار پایان مدت محکومیت بودند به دار کشید . تا خیزش های احتمالی بعد از جنگ را با پیش دستی حذف کرده باشد زیرا مردمی که پس از انقلاب بزرگ خود با راه اندازی جنگ مجبور به سکوت شده بودند پس از جنگ به طرح خواست ها و مطالبات بایگانی شده خود می پرداختند . و به این ترتیب نشان داد که کشتار ، قتل ، شکنجه و اعدام و ترور جزو ذاتی این رژیم و جایگزین هر نوع عقلانیت و روش های انسانی است .

با توجه به رواج ترورهای خارج از کشور توسط رژیم جمهوری اسلامی و اتهام تروریسم که از سوی دول خارجی عنوان می شود رژیم بلافاصله بجای اتخاذ روش های انسانی پاسخ می دهد که ما خود قربانی تروریسم هستیم پس عمل تروریستی انجام نمی دهیم و همینطور برخی از پادوهای دست چندم رژیم ترور در مقابل سئوال از قتل عام ها و اعدام ها ؛ اظهار می کنند مخالفین ترور کردند جمهوری اسلامی نیز مجبور به ترور شد و به این ترتیب بجای پاسخ به اتهامات به تغییر صورت مسأله می پردازند . برای پاسخ واقعی باید روشن کنند که رژیم وابسته به کدام نیرو های اجتماعی است ؟ آیا اصولا ساز و کار دوره مدرنیته تکثر و تساهل و رأی و اندیشه بشری را قبول دارد و یا ایدئولوژی اش متعلق به دنیا کهن و عصر برده دار و عشیره قبیله ای است ؟ و حقوق بشر ؛ آزادی و حق خود مختاری انسان ؛

محوریت کرامت انسان آزادی اندیشه ؛ فکر و قلم و حق حکومت و قانون گذاری انسان را به رسمیت می شناسد ؛ یا از نیروها و طبقات کهن دفاع کرده و بنیاد گرا و دشمن تمدن و انسان نوین است و حاضر نیست از منافع اقتصادی خود بگذرد . این ویژگی در محتوا و ریشه و بنیان افکار آیات و مراجع تقلید و روحانیون بسادگی قابل درک است آیا رژیم اساسا انسان را بالغ و دارای حقوق قانون گذاری و برقراری حکومت دموکراتیک انسانی می داند و یا اینکه اساسا انسان اختیاری از خود نداشته حق قانون گذاری ندارد و قوانین الهی یعنی حدود شرعیه و قصاص الی یوم القیامه باید جاری باشد ؟ اگر رژیم اساسا وابسته به دنیای کهن است ؛ دیگر گفتگو در باره معیارهای دنیای مدرن بی معنی و فریبکاری و دغل بازی است . زیرا خشونت در ذات نیروهای کهن و ارتجاعی است . آیا نوع حکومت را شکل های آزاد و مستقل مردمی تعیین می کند و هر زمان می توانند تصمیمات جدیدتر گرفته و حکومت قبل را تغییر دهند و یا حکومت توسط خدا و از طریق ولی فقیه جاری می شود ؟ وقتی دومی است دیگر بحث حقوق بشر محلی از اعراب ندارد و حق انتخاب و انتخابات یک عوام فریبی و شیادی است

در قاموس دولت در دنیای نوین ؛ دولت خود استانداردها و سازوکارهای تعریف شده ای دارد و این ادعا که فرضاً " عده ای خشونت کردند ؛ حکومت هم خشونت کرد یک توجیه ارتجاعی و کودکانه بوده و ابدا پذیرفته نیست اگر دولت مدرن است می بایست مجری حقوق و کرامت انسان ؛ خلاقیت و آزادی او باشد و از طرف دیگر با علم و تخصص و دستگاه عظیم کارشناسی و تخصصی به تحلیل و بررسی ریشه های خشونت پرداخته و ریشه های خشونت را که از انحصار سیاسی ؛ انحصار اقتصادی و تضادهای طبقاتی و یا وجود بورکراسی خشن و صلب می باشد ؛ حل کند ؛ هر کدام راه حل های خاص خود را دارند و به این بهانه که عده ای خشونت کردند و امام امت و روحانیون و حاکمیت نیز خشونت کردند جابجایی صورت مسئله ؛ وارونه سازی و شیادی است .

اگر به دنیای و فلسفه مدرن معتقد شده اید دیگر بسراغ استدلال های کهن و ما قبل تاریخی نروید و کثافات و جنایات وابستگان به دنیای کهن را توجیه نکنید و اگر اعتقاد به همان دنیا و دفاع از همان عملکرد را دارید صورتک ادعای مدرن و مهذب بودن را از روی خود بردارید پذیرش دنیای مدرن در کلیت و جامعیت آن است نمی توان بخش گزینشی از آن را برداشت همانطور که دنیای کهن هم در یک نظام بهم پیوسته قرار دارد که تجلی و مجسمه آن آیت الله خمینی و بسیاری از آیات عظام و حجج اسلامند که بسیار مشتمن کننده و تنفر آمیز برای هر انسان نوین می باشد . دروغین بودن اصلاح طلبی ؛ اصلاح طلبان درون حکومتی از همین تضاد ریشه می گیرد و شکست آنها در برابر مجسمه های خشک و پوسیده ارتجاع علیرغم گستردگی جمعیت اصلاح طلبان از همین ریشه ناشی می شود که با محتوای و رویکرد

دنیای کهن به جنگ دنیای کهن می روند و واپس گرایان که این جریان را بخوبی می دانند آنها جدی نمی گیرند و در خود حل می کنند ؛ از طرف دیگر حنایشان پیش مردم رنگی ندارد ؛ زیرا هدف نهائی آنها حفظ همین حکومت قرون وسطایی است . اصلاح طلبان حکومتی که حکومت ولایت فقیه را در اعدام ها مقصر و جنایتکار نمی دانند در مورد اعدام افراد که اصولا نویسنده بودند مثل قتل های زنجیره ای نویسندگان و حتی سلمان رشدی و گفتگو کننده با تلویزیون در مورد الگوی زن که آقای خمینی دستور اعدام می دهد و حتی محاکمه و حضور قاضی را ضرور نمی داند و یا دهها هزار نفر که به خاطر عقیده به زندان رفته و اعدام شدند و یا حتی منتظری که باید منتظر عذاب علیم در

صورت توبه نکردن به آن دچار می شد چه پاسخی می دهند؟ الحق شیادی رهبر برغم ادعای اصلاح طلبی از وجودشان بیرون نرفته است

در دنیای مدرن می بایست در هر پدیده جنبه های مثبت و منفی را بدرستی ارزیابی و شناسائی کرد تا بتوان تحلیل درستی از آن بدست آورد و اقدام مناسب را بعمل آورد اما تجربه نشان داده که در مورد حکومت ولایت فقیه و روحانیون عالی مقام نمی توان این قانون را بکار برد زیرا با پدیده مدرن سرو کار نداریم و برای فهم ساز و کار حکومت ولایت فقیه می بایست تمامی اظهارات؛ گفتار و علائم آنرا وارونه کرد تا درک درستی از ماهیت آن بدست آورد. زیرا پایگاه طبقاتی اسلام فقهاتی و بنیاد گرایان سده هاست که نابود شده و فقط نمایندگان فکری آن وقتی قدرت نداشته باشد با گریه کردن و گریاندن و اگر قدرت داشته باشد با شمشیر؛ ارزش اضافی مردم زحمتکش و ثروت جامعه را چپاول و به زندگی نکبت بار خود ادامه می دهد.

20- اصلاح طلبی

مطالبات و خواسته های جامعه ایرانی از مشروطه ببعده اعم از نفی سلطنت مطلقه؛ پاسخ گویی حکومت به خواسته های مردم؛ ضرورت آزادی های دموکراتیک؛ آزادی قلم؛ بیان و مطبوعات نفی تبعیض ها از هر نوع؛ آزادی فکر و اندیشه و عدالت خانه مستقل و سپس خواسته ها و مطالبات تاریخی دیگری نیز به آنها افزوده شده بود خواسته های تشکل های مستقل؛ شوراها؛ عدالت اجتماعی و بهره مندی هر کس به اندازه کارش؛ و مبارزه برای تحقق آن ها؛ باعث سرنگونی پهلویسم در ایران شده بود و پس از روی کار آمدن نظام ولی فقیه خمینی با استراتژی جنگ خارجی و صدور انقلاب و محو ظلم و کفر از عالم توانست نه تنها اجرای خواست های مردم را به تعطیلی بکشاند بلکه با سیاست سرکوب و کشتار و اعدام و ارباب این خواسته را بدرون پستوی ذهن عقب بکشاند. با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق و پذیرش آتش بس از طرف حاکمیت ولایت فقیه که در طول جنگ بعنوان یک تابو که کسی حق سخن گفتن بر علیه آنرا نداشت میل به تغییر از جهنم موجود ولایت فقیه در روح ایرانیان فوران کرد و با شدت گرفتن مشکلات اقتصادی و اجتماعی به اوج رسیده بود و لذا گفتمان اصلاح طلبی از درون نیروهای درون رژیم به ضرورت اصلاحات خواهی مردم مطرح گردید اما قصد آن نه تحقق خواسته و مطالبات مردمی بلکه حفظ تمامیت رژیم و نهادهای آن و ذبح کردن اصلاح طلبی واقعی صورت پذیرد. بعبارت دیگر اصلاح طلبی حکومتی می خواست با همان چهارچوب بنیاد گرایی و اسلام سیاسی فقهی صورت پذیرد و پایه های حکومت را حفظ کند در حالیکه مشکل نهادها و پایه ها و ساختار اسلام سیاسی با نظام نوین سرمایه داری است و اصلاح طلبان تلاش کردند که بتوانند ساز و کار نظام سرمایه داری را به جریان بیندازند اما دو عامل و متغیر عمده را لحاظ نکردند و با شکست مواجه شدند اول اینکه ساز و کار مناسبات سرمایه داری با نظام عقیدتی اسلام سیاسی فقهاتی در تضاد است و در آن چهارچوب نظام حقوقی و عقیدتی ولایت فقیه نمی توان مناسبات کنونی را سازمان داد؛ مهمتر و دوم اینکه خود سرمایه داری در سطح جهانی و بخصوص در شرایط داخلی ایران دچار بحران های عمیق و شکننده ای شده و طبقات بورژوا منافع خود را با سرمایه داری جهانی و چپاول گر و هم چنین با بوروکراسی سرکوبگر و جنایت پیشه گره زده اند و راهکار بیرون رفت از بحران در عدالت اجتماعی و سوسیالیسم قرار دارد تا با واژگونی مناسبات طبقاتی بر علیه زحمتکشان و نفی استثمار از قِبَل دسترنج آنان تا با تحول و دگرگونی عمیق در ساز و کارهای

اجتماعی نظم نوین و انسانی را ساماندهی کند . و دمکراسی سیاسی نیز بدون دمکراسی اقتصادی در ایران برقرار نخواهد شد . و لذا راه حل برون رفت کشور ما از بحران ؛ فقر و نا بسامانی ؛ سرکوب و دیکتاتوری ؛ حل اختلاف طبقاتی ؛ برقراری حکومت با ساز و کارهای دموکراسی و حل معضلات مختلف ؛ رفع تبعیض های جنسیتی و مذهبی و غیره از توان ساز و کارهای بورژواز با هر رویکرد آن خارج و با یک سوسیالیسم علمی و انسانی و اجرای قانون هر کس به اندازه کارش ؛ خارج کردن بسیاری از کالاها از جمله زمین ؛ سلامتی و تحصیل و ... از بازار و گسترش هر چه عمیق تر دموکراسی و برابری در همه سطوح و با رویکرد علم محوری و توسعه خلاقیت می توان در مسیر تمدن و توسعه گام برداشت .

غلام صالحی

خرداد 88

توضیحات

1 - تمام توضیحات در درون [] از نگارنده برای توضیح بهتر نقل قول هاست

2 - : تفاوت نگرش های نظام مدرن و کهن در تمامی مقولات و پدیده ها عیان است به مسئله کار و کارگر که به نظر

اسلام سیاسی مقوله جدید کار در نظام های قبل هم وجود داشته توجه نمائید

گفتار خمینی به مناسبت روز کارگر : " اینکه ما یک روز را اختصاص بدهیم به کارگر ؛ مثل اینست که یک روز را اختصاص بدهیم به نور یک روز را اختصاص بدهیم به خورشید ... هیچ موجودی را نمی توانید سراغ کنید الا اینکه کارگر و کار در او موجود است و خودش کار است ؛ کارگر ها هم ؛ کارند حتی جمادات و نباتات همه زنده اند و هم کارگرند عالم ماوراء الطبیعه در جنت و نار هم از کارو کارگری پیدا شده است " (صحیفه امام ج 7 صص 171-172) واقعا بنیاد گرا و مرتجع وقتی بخواهد در مورد پدیده های مدرن حرف بزند چون نمی فهمد موضوع چیست ؟ زمین و زمان آسمان و ریسمان را بهم می بافد و بلغور می کند و آخر هم کسی نمی فهمد چه گفت ؟ مقوله کارگر از پدیده های دنیای مدرن و عصر صنعتی و موضوع روز کارگر ؛ مبارزات متحد طبقه کارگر علیه نظام بردگی مزدی و دنیای از خود بیگانه ای که نظام سرمایه داری برای کسب ارزش اضافی ساخته است و این روز سمبل مبارزات و کسب حقوق این طبقه و برپایی نظام نوین است و خمینی متعلق به چند هزار سال پیش که بر حاکمیت مناسبات نوین سرمایه داری بر حسب شور بختی و تصادف نشسته و می خواهد در مورد آن حرفی بزند در حالیکه از پدیده های مدرن بی خبر است نه طبقه سرمایه دار و نه طبقه کارگر و مناسبات بین آن دو و ارزش اضافی را می شناسد عاقبت به ماوراء الطبیعه و جن و پری و جماد و نبات متوسل می شود و پادو های مقلد وی هم آنقدر درک و جرأت ندارند که نوشته ای دستش بدهند تا از روی آن بخواند . و نتیجه اراجیف بالا می شود .